Quarterly Financial Accounting
E-ISSN: 2783-4417
Vol. 17, Issue 1, No. 65, Spring 2025, p 91-113
Received: 18.05.2025 Accepted: 21.01.2026

Research Paper

Investigating the Impact of Managerial Overconfidence on Earnings Quality with the Moderating Role of Ownership Structure

Behrooz Badpa *
Department of Accounting, Ilam University, Ilam, Iran.
b.badpa@ilam.ac.ir

Amin Ghanbari
Master of Management Accounting, Ilam University, Ilam, Iran.
ghanbariamin1400@gmail.com

Abstract
Based on the concepts of agency theory, the relationship between owners and management is potentially reflected in the quality of financial reporting and business outlook. Also, from a financial-behavioral perspective, the psychological and personality dimensions of managers are linked to how the firm is led and makes strategic decisions. In this regard, designing corporate governance frameworks and systems, such as ownership structure, is of great importance in order to curb managerial biases. Accordingly, the aim of the present study is to test the effect of managerial overconfidence on earnings quality with the moderating role of ownership structure. Five research hypotheses were tested and analyzed using a sample of 166 companies listed on the Tehran Stock Exchange during the period 2013 to 2023 and using multiple regression. The results of the study showed that management overconfidence has a significant negative effect on the quality of company earnings. Also, among the different dimensions of ownership structure, three variables, namely family ownership, managerial ownership, and institutional ownership, weaken the negative effect of management overconfidence on earnings quality, but ownership concentration does not have a significant effect on this relationship. Therefore, ownership structure as a corporate governance mechanism provides a new perspective on the impact of management overconfidence on earnings quality. Ownership structure can affect managerial behavior and attitudes, and consequently, corporate reporting. In particular, ownership concentration and the nature of shareholders can moderate the impact of management overconfidence on earnings quality.

Keywords: Management Overconfidence, Earnings Quality, Ownership Structure, Agency Theory, Convergence of Interests.

Introduction

Based on the concepts of agency theory, the relationship between owners and management is potentially reflected in the quality of financial reporting and business outlook. Also, from a financial-behavioral perspective, the psychological and personality dimensions of managers are linked to how the firm is led and makes strategic decisions. In this regard, designing corporate governance frameworks and systems, such as ownership structure, is of great importance in order to curb managerial biases. Accordingly, the aim of the present study is to test the effect of managerial overconfidence on earnings quality with the moderating role of ownership structure.

Method and Data

Five research hypotheses were tested and analyzed using a sample of 166 companies listed on the Tehran Stock Exchange during the period 2013 to 2023 and using multiple regression.

* Corresponding author
Badpa, B., Ghanbari, A. (2025). Investigating the Impact of Managerial Overconfidence on Earnings Quality with the Moderating Role of Ownership Structure. *Quarterly Financial Accounting*, 17(65): 91-113.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

Findings

The results of the study showed that management overconfidence has a significant negative effect on the quality of company earnings. Also, among the different dimensions of ownership structure, three variables, namely family ownership, managerial ownership, and institutional ownership, weaken the negative effect of management overconfidence on earnings quality, but ownership concentration does not have a significant effect on this relationship.

Conclusion and Discussion

Ownership structure as a corporate governance mechanism provides a new perspective on the impact of management overconfidence on earnings quality. Ownership structure can affect managerial behavior and attitudes, and consequently, corporate reporting. In particular, family ownership, managerial ownership, and institutional ownership can moderate the impact of management overconfidence on earnings quality. Companies should be aware of the potential risks associated with management overconfidence, which can compromise the integrity of financial reporting. This highlights the importance of effective internal controls and oversight to identify and prevent such actions, including the role of ownership structure.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

فصلنامه حسابداری مالی
سال هفدهم، شماره ۶۵، بهار ۱۴۰۴، ص ۱۱۳-۹۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

مقاله پژوهشی

واکاوی تأثیر بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود با نقش تعدیل‌کنندگی ساختار مالکیت

بهروز بادپا*
استادیار،گروه حسابداری، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
b.badpa@ilam.ac.ir

امین قنبری
کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
ghanbariamin1400@gmail.com

چکیده
بر مبنای مفاهیم نظریه نمایندگی، چگونگی تعامل بین مدیریت و مالکان به‌طور بالقوه در کیفیت گزارشگری مالی و چشم‌انداز تجاری تجلی پیدا می‌کند. همچنین از منظر مالی-رفتاری، ابعاد روان‌شناختی و شخصیتی مدیران، با چگونگی هدایت و تصمیمات استراتژیک شرکت پیوند خورده است. در این راستا، طراحی چارچوب‌ها و نظام راهبری شرکتی همچون ساختار مالکیت به منظور مهار سوگیری‌های مدیریتی از اهمیت بسزایی برخوردار است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، آزمون تأثیر بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود با نقش تعدیل‌کنندگی ساختار مالکیت است. پنج فرضیه پژوهش با استفاده از نمونه‌ای مشتمل بر ۱۶۶ شرکت پذیرفته‌شده در شرکت بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ و به‌کارگیری رگرسیون چندگانه مورد آزمون و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود شرکت تأثیر منفی و معناداری دارد. همچنین، از بین ابعاد مختلف (چهارگانه) ساختار مالکیت، مالکیت خانوادگی، مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی تأثیر منفی بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود را تضعیف می‌کنند، اما تمرکز مالکیت تأثیر معناداری بر این رابطه ندارد؛ بنابراین، ساختار مالکیت به عنوان یک مکانیسم راهبری شرکتی چشم‌انداز جدیدی از تأثیر پدیده بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود را نشان می‌دهد. ساختار مالکیت می‌تواند رفتار و نگرش مدیریتی و در نتیجه گزارشگری شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. به‌طور خاص، مالکیت خانوادگی، مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی می‌توانند تأثیر اعتماد بیش از حد مدیریت بر کیفیت سود را تعدیل کنند.

کلیدواژه‌ها: بیش‌اعتمادی مدیریت، کیفیت سود، ساختار مالکیت، نظریه نمایندگی، همسویی منافع.

* نویسنده مسئول

بادپا، بهروز؛ و قنبری، امین (۱۴۰۴). واکاوی تأثیر بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود با نقش تعدیل‌کنندگی ساختار مالکیت. *فصلنامه حسابداری مالی*، *فصلنامه حسابداری مالی*، ۱۷(۶۵): ۱۱۳-۹۱.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

مقدمه

اهمیت کیفیت گزارشگری مالی را نمی‌توان نادیده گرفت؛ چراکه به عنوان یک عنصر اساسی برای تقویت اعتماد و اطمینان ذینفعان عمل می‌کند و سرمایه‌گذاران را قادر می‌سازد تا تصمیمات آگاهانه بگیرند (هیلی و پالپو[1]، ۲۰۰۱؛ ۴۰۸). در این راستا، پژوهشگرانی همچون باشمن و اسمیت[2] (۲۰۰۱) و هوک، وانزیجل، دیونستان و کریم[3] (۲۰۱۲) اذعان نمودند که کیفیت سود، در حفظ منافع سهامداران بسیار مهم است و نقش محوری در نظارت بر استراتژی‌های اجرا شده توسط مدیران عامل دارد. بر این اساس می‌توان گفت کیفیت سود بر ارزش‌گذاری شرکت تأثیر می‌گذارد و هزینه سرمایه آن را کاهش می‌دهد (کارجلاینن[4]، ۲۰۱۱؛ زیمرمن[5]، ۲۰۱۳). با توجه به چارچوب مفهومی هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IASB)، مربوط بودن و بیان صادقانه از ویژگی‌های اصلی اطلاعات مفید حسابداری است. این عناصر که ویژگی‌های کیفیت سود نیز به شمار می‌روند، برای سرمایه‌گذاران مهم هستند؛ زیرا به آنها در انتخاب سرمایه‌گذاری بهینه کمک می‌کنند (نیسیم[6]، ۲۰۲۱). بر اساس دیدگاه نظریه نمایندگی، جدایی بین مالکیت و مدیریت، منجر به تضاد منافع بین مدیران و سهامداران می‌شود. در نتیجه، مدیران تمایل دارند ارقام سود را برای به حداکثر رساندن ثروت خود دستکاری کنند (جنسن و مک‌لینگ[7]، ۱۹۶۷). مدیران همچنین با هدف مخدوش نمودن بیان صادقانه و تأثیر بر ادراک ذینفعان از عملکرد شرکت، برآورده کردن پیش‌بینی‌های تحلیلگران و جلوگیری از هزینه‌های سیاسی در شیوه‌های مدیریت سود مشارکت می‌کنند (گریفین، هونگ، لیو و ری‌یو[8]، ۲۰۲۱).

مطالعات تجربی متعدد نشان داده‌اند که تمایل مدیران به ارائه کیفیت سود ضعیف به ویژگی‌های شرکت و محیط آن بستگی دارد (علی و ژانگ[9]، ۲۰۱۵). با این حال، نظریه مالی-رفتاری نشان می‌دهد که مدیران ممکن است به دلیل سوگیری‌های روان‌شناختی، در استراتژی‌های مدیریت سود به شیوه‌ای غیرمنطقی شرکت کنند (بری-استولزل، استمن و ژو[10]، ۲۰۱۸: ۳۸۳). این دیدگاه دوگانه برای نظریه نمایندگی و امور مالی-رفتاری، چارچوبی جامع برای درک عوامل مختلف مؤثر بر کیفیت سود ارائه می‌کند (بزوئیچ، دپورس و لاخال[11]، ۲۰۲۴). مطالعات پیشین در حوزه مالی-رفتاری نشان داده‌اند که ویژگی‌های روان‌شناختی مدیران از جمله اعتماد بیش از حد بر ابعاد گوناگون عملکرد و فرآیند تصمیم‌گیری شرکت تأثیر می‌گذارد. مدیران عاملی که اعتماد بیش از حد از خود نشان می‌دهند، اغلب، اهمیت انتخاب‌های استراتژیک خود را نادیده می‌گیرند (گونگ[12]، ۲۰۲۳). گلمبیوسکی، یاگر و هیلس[13] (۱۹۷۵) استدلال کردند مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد، یک باور ذهنی در مورد نتایج مالی مثبت ناشی از تصمیمات استراتژیک خود دارند که موجب می‌شود عملکرد خود را بهتر از حد متوسط ارزیابی کنند. این برآورد بیش از حد از پتانسیل آنها، مدیران عامل را به درگیر شدن در اقدامات اختیاری که نتایجی کمتر از حد مطلوب را ایجاد می‌کند، سوق می‌دهد (بزوئیچ و همکاران، ۲۰۲۴). لیانگ، لینگ، تنگ، زنگ و ژانگ[14] (۲۰۲۰) نشان دادند که اعتماد بیش از حد مدیریت، باعث برآورد بیش از حد صحت اطلاعات حسابداری و برآورد بیش از حد سودهای آتی می‌شود. صالحی، زیمون و سیف‌زاده[15] (۲۰۲۲) رابطه مثبت و معنادار بیش اعتمادی مدیریت و ریسک‌پذیری شرکت را مستند نمودند. هوانگ، برندز و داروادکار[16] (۲۰۲۲) شواهدی ارائه دادند که وجود مدیران عامل با اعتماد به نفس

[1] Healy & Palepu
[2] Bushman & Smith
[3] Houqe, Van Zijl, Dunstan & Karim
[4] Karjalainen
[5] Zimmerman
[6] Nissim
[7] Jensen & Meckling
[8] Griffin, Hong, Liu & Ryou
[9] Ali & Zhang
[10] Berry-Stölzle, Eastman & Xu
[11] Bzeouich, Depoers & Lakhal
[12] Gong
[13] Golembiewski, Yeager & Hilles
[14] Liang, Ling, Tang, Zeng & Zhuang
[15] Salehi, Zimon & Seifzadeh
[16] Huang, Brandes & Dharwadkar

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

بیش از حد، تأثیر منفی و قابل‌توجهی بر هموارسازی تحقیق و توسعه دارد. الشمری، الشمری، بانرجی و دوتی[1] (۲۰۲۲) نشان دادند که بیش اعتمادی مدیریت، به طور بالقوه بر مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیرگذار است. آقابابائی، یادگاری و رجایی‌زاده هرندی (۱۴۰۲) ارتباط منفی بین بیش‌اعتمادی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی و ارتباط مثبت بین بیش‌اعتمادی مدیریت و مدیریت سود را مستند نمودند. این جریان مطالعات تأکید می‌کنند که اعتماد بیش از حد مدیرعامل، عاملی اساسی در چگونگی هدایت و تخصیص منابع و کیفیت گزارشگری مالی و غیرمالی است. با این حال، ادبیات موجود در این زمینه به‌ویژه با توجه به کیفیت سود توسعه‌نیافته است. مطابق با ماهیت نظریه نمایندگی و دیدگاه مالی-رفتاری، چنین استدلال می‌شود که مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد، احتمالاً برای اولویت دادن به منافع خود به شکل فرصت‌طلبانه رفتار می‌کنند و از طریق ارزیابی بیش از حد پتانسیل خود، به دستکاری گزارش‌های مالی روی می‌آورند (بزوئیچ و همکاران، ۲۰۲۴). نتایج تجربی صالحی و همکاران (۲۰۲۲) نیز نشان داد که خوانایی گزارش‌های حسابرسی در ایران با حضور مدیران بیش از حد اعتماد به نفس، کمتر است.

در این میان، ساختار مالکیت به عنوان یک مکانیسم راهبری شرکتی و حلقه مفقوده، چشم‌انداز جدیدی از تأثیر پدیده بیش اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود را ارائه می‌دهد. ساختار مالکیت ممکن است رفتار مدیریتی و نتایج شرکت را به طرق مختلف تحت تأثیر قرار دهد (واعظ، انواری و بنافی، ۱۳۹۵ و ابراهیمی، پیوندی و فخارمنش، ۱۳۹۳). به طور خاص، تمرکز مالکیت و ماهیت سهامداران به عنوان مثال سهامداران نهادی ممکن است تأثیر اعتماد بیش از حد مدیرعامل بر کیفیت سود را به‌طور متفاوتی شکل دهند؛ به عبارت دیگر، در یک ساختار مالکیت متمرکز، مدیران تحت کنترل اکثریت سهامداران هستند که به نوبه خود، اثرات منفی بیش اعتمادی مدیریت را محدود می‌کند (رشیدی[2]، ۲۰۲۴). بر این اساس، توجه بر جنبه‌های مختلف ساختار مالکیت به عنوان محرک‌های رابطه بین اعتماد بیش از حد مدیرعامل و کیفیت سود از اهمیت بسزایی برخوردار است (بزوئیچ و همکاران، ۲۰۲۴). گرچه مطالعات پیشین، شواهدی الهام‌بخش ارائه نمودند؛ با این حال، چگونگی تأثیرپذیری کیفیت سود به عنوان یکی از ارکان اساسی گزارشگری مالی از پدیده بیش‌اعتمادی مدیریت یک خلأ عمده پژوهشی در ادبیات داخلی است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته می‌شود. علاوه بر این، پژوهش حاضر با برجسته نمودن نقش راهبری شرکتی، بر این استدلال است که ساختار مالکیت، انگیزه‌های مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد را برای تأثیرگذاری بر کیفیت سود شکل می‌دهد. بر این اساس، پژوهش حاضر به عنوان اولین تلاش تجربی و در پرتو نظریه نمایندگی و دیدگاه مالی-رفتاری، چشم‌انداز جدیدی را نسبت به تأثیر ذهنیت ریسک‌پذیر مدیران بر کیفیت سود با توجه به نقش ساختار مالکیت ارائه می‌دهد که به نوبه خود بینش‌های نظری و عملی ارزشمندی را ارائه می‌دهد که مدیران شرکت‌ها، تنظیم‌کننده‌ها، سیاست‌گذاران و سرمایه‌گذاران می‌توانند گام‌های اثربخشی به منظور حصول اطمینان از نظام راهبری شرکتی صحیح، مهار ریسک‌های مربوط به اعتماد بیش از حد مدیرعامل و ارتقای گزارش‌دهی مالی با کیفیت بالا بردارند. مهم‌ترین نوآوری پژوهش حاضر بررسی نقش ابعاد مختلف ساختار مالکیت بر رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریت و کیفیت سود است که در مطالعات پیشین مورد توجه قرار نگرفته است. مطالعه حاضر به این شرح پیکربندی شده است: ابتدا مبانی نظری، پیشینه پژوهش و فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است. سپس مدل پژوهش، یافته‌های تجربی و نتایج آزمون فرضیه‌ها شرح داده شده است. در نهایت نیز، با ارائه بحث و نتیجه‌گیری به همراه ذکر پیشنهادها و محدودیت‌ها، پژوهش خاتمه می‌یابد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

از آنجا که ساختار مالکیت به طرق مختلف بر نتایج عملیاتی و کیفیت گزارشگری شرکت تأثیر می‌گذارد، پرداختن به این عامل راهبری شرکتی از زوایای مختلف بسیار مهم است (دمستز و ویلاونگا[3]، ۲۰۰۱). ساختار مالکیت شامل ابعاد چهارگانه یعنی تمرکز مالکیت، مالکیت خانوادگی، مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی است. بر این اساس، در بخش مبانی نظری ابتدا تأثیر

[1] Al-Shammari, Al-Shammari, Banerjee & Doty
[2] Rashidi
[3] Demsetz & Villalonga

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود بررسی می‌شود و سپس به مطالعه تأثیر ابعاد مختلف ساختار مالکیت بر این رابطه پرداخته می‌شود.

بیش‌اعتمادی مدیریت و کیفیت سود

پدیده بیش‌اعتمادی مدیریت به عنوان ارزیابی بیش از حد مدیران عامل از عملکرد آینده خود تعریف می‌شود (مالمندیر و تیت[1]، ۲۰۰۵: ۶۵۰). مطالعات پیشین، استدلال‌های مختلفی را در مورد چگونگی تأثیرپذیری کیفیت گزارشگری مالی از ویژگی‌های روان‌شناختی مدیران مطرح نموده‌اند. شراند و زچمن[2] (۲۰۱۲) اظهار نمودند که مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد، به احتمال زیاد استراتژی‌های مدیریت سود را اتخاذ می‌کنند و این تعصب، مدیران عامل را خوشبین‌تر می‌کند تا عملکرد شرکت را غیرواقعی جلوه دهند. از آموزه‌های نظریه نمایندگی و دیدگاه مالی-رفتاری می‌توان دریافت که چگونه مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد برای رسیدن به اهداف خود به اقدامات مدیریت سود متوسل می‌شوند (بزوئیچ و همکاران، ۲۰۲۴). به طور خاص، مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد می‌توانند با شکافی بین عملکرد واقعی و انتظارات خود مواجه شوند و در صورت کوتاهی از اهداف خود، ممکن است رفتار فرصت‌طلبانه‌ای داشته باشند (مک‌مانوس[3]، ۲۰۱۸: ۱۷۱). آزادی عمل مدیران در ثبت و افشای گزارش‌های مالی و غیرمالی، آنان را قادر می‌سازد تا از طریق ذهنیت خوش‌بینانه خود، تصویر مثبتی از عملکرد شرکت خود ارائه دهند که به نوبه خود بر قیمت سهام، پاداش مدیران و شهرت شخصی آنها تأثیرگذار است (وید، کری و ولف[4]، ۲۰۰۶). دیدگاه مالی-رفتاری به گرایش تصمیم‌گیری جانبدارانه مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد می‌پردازد که می‌تواند منجر به انتخاب‌های نابهینه در مورد کیفیت گزارشگری مالی شود (پمپیان[5]، ۲۰۱۲). اعتماد بیش از حد باعث می‌شود مدیران عامل بازده موردانتظار سرمایه‌گذاری خود را بیش از حد برآورد کنند و ریسک را دست کم بگیرند (بانرجی، هیومفری-جنر و ناندا[6]، ۲۰۱۵: ۲۸۱۵). این امر، آنها را به سمت افزایش سود و ارائه صورت‌های مالی گمراه‌کننده سوق می‌دهد که کیفیت سود را به خطر می‌اندازد (بزوئیچ و همکاران، ۲۰۲۴). بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که بیش‌اطمینانی مدیریت، به طور بالقوه با کیفیت گزارشگری مالی و خوانایی گزارش‌های مالی پیوند خورده است. بولو و حسنی‌القار (۱۳۹۸) نشان دادند که بیش‌اطمینانی مدیریت به طور معناداری منجر به افزایش وقوع و شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌گردد. در پژوهشی مشابه، طاهری عابد، علی‌نژاد ساروکلایی و فغانی ماکرانی (۱۳۹۹) نشان دادند که بیش‌اعتمادی و خودشیفتگی مدیریت، رابطه منفی و معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد. بر این اساس، مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد ممکن است در تصمیم‌گیری‌ها تعصب داشته باشند و از استراتژی‌های دستکاری سود به منظور بیش از حد برآورد کردن عملکرد شرکت استفاده کنند (بن‌احمد و جربویی[7]، ۲۰۲۲: ۱۶۶).

مطالعات موجود نشان می‌دهد که اعتماد بیش از حد مدیرعامل می‌تواند منجر به کاهش کیفیت سود از طریق کانال‌های مختلف شود. به عنوان مثال، مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد ممکن است درگیر اقدامات حسابداری تهاجمی یا پیش‌بینی‌های بیش از حد خوش‌بینانه در مورد عملکرد آینده شوند که منجر به کیفیت سود ضعیف می‌شود (بزوئیچ و همکاران، ۲۰۲۴). علاوه بر این، مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد ممکن است کمتر به بازخورد سایر اعضای هیئت‌مدیره توجه کنند که منجر به تصمیم‌گیری غیرعقلانی و در نهایت کیفیت پایین سود شود (پاولوپولوس، مگنیس و ایاتریدیس[8]، ۲۰۱۹: ۱۸). نتایج صالحی، لاری دشت‌بیاض، حسن‌پور و طریقی[9] (۲۰۲۰) نشان داد که اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل با محافظه‌کاری حسابداری و مدیریت سود واقعی رابطه منفی دارد. اعتماد بیش از حد مدیرعامل همچنین

[1] Malmendier & Tate
[2] Schrand & Zechman
[3] McManus
[4] Wade, Carey & Wolfe
[5] Pompian
[6] Banerjee, Humphery-Jenner & Nanda
[7] Ben Ahmed & Jarboui
[8] Pavlopoulos, Magnis & Iatridis
[9] Salehi, Lari Dasht-Bayaz, Hassanpour & Tarighi

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

می‌تواند کیفیت سود را از طریق تأثیر آن بر تصمیمات سرمایه‌گذاری تحت تأثیر قرار دهد. مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد ممکن است احتمال بیشتری برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مخاطره‌آمیز با پتانسیل بازده بالا داشته باشند. این امر می‌تواند از یک سو منجر به نوسانات بالاتر سود و از سوی دیگر کیفیت پایین‌تر سود شود (هوانگ و همکاران، ۲۰۲۲).

اعتمادی مدیریت، تمرکز مالکیت و کیفیت سود

در یک شرکت با مالکیت متمرکز، گروه کوچکی از سهامداران، بخش بزرگی از سهام شرکت را در اختیار دارند که می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر تصمیمات استراتژیک داشته باشد (علی، رحمان، سرور، شوکت و فاروق[1]، ۲۰۲۲: ۳۲۷). بر اساس فرضیه نظری همسویی منافع، تمرکز مالکیت به عنوان یک مکانیسم کنترلی مؤثر برای اقدامات مدیریتی در نظر گرفته شده و دسترسی ممتاز به اطلاعات داخلی شرکت دارد (شلیفر و ویشنی[2]، ۱۹۸۶: ۴۶۳). در نتیجه، با تمرکز مالکیت بالاتر، سهامداران کنترل‌کننده، انگیزه و توانایی بیشتری برای نظارت دقیق و تأثیرگذاری بر تصمیمات مدیریتی دارند (دمستز[3]، ۱۹۹۶: ۱۰۸). دمستز و ویلانگا (۲۰۰۱) اذعان نمودند که شرکت‌هایی با ساختارهای متمرکز، سودهای آتی بالاتری نسبت به سایر شرکت‌ها با ساختارهای متفاوت کسب می‌کنند. تسما، کیم و داندیو[4] (۲۰۱۸) شواهدی ارائه کردند که ساختار مالکیت با کیفیت سود بالاتر و شفافیت گزارشگری مالی همراه است. این می‌تواند به کاهش تأثیر منفی اعتماد بیش از حد مدیرعامل بر کیفیت سود کمک کند؛ زیرا مدیران توسط سهامداران نهادی کنترل می‌شوند (بزوئیچ و همکاران، ۲۰۲۴). لذا می‌توان گفت مالکیت متمرکز می‌تواند رابطه بین اعتماد بیش از حد مدیرعامل و کیفیت سود را با ارائه ساختار تصمیم‌گیری متمرکزتر و پاسخگوتر تعدیل کند (هوانگ و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، وجود مالکیت متمرکز می‌تواند منجر به دیدگاه بلندمدت‌تری در مورد موفقیت شرکت در بازار رقابتی شود؛ زیرا سهامداران کنترلی اغلب بر رشد شرکت و ارزش‌آفرینی متمرکز هستند تا سود کوتاه‌مدت (الج و مرد[5]، ۲۰۱۸: ۱۱۶). برای حمایت بیشتر از نقش تمرکز مالکیت در کاهش اثر اعتماد بیش از حد مدیرعامل بر کیفیت سود، پژوهشگرانی همچون چن، وانگ، آلبیتار و هوانگ[6] (۲۰۲۱) دریافتند که تمرکز مالکیت بالاتر با کیفیت سود بالاتر در شرکت‌های چینی همراه است. جووردینو، جابین، نیرینو و برشیانی[7] (۲۰۲۴) دریافتند که تمرکز مالکیت، تأثیر مثبتی بر راهبری شرکتی و افشای موضوعات مرتبط با توسعه پایدار دارد. آرتور، چن و تانگ[8] (۲۰۱۹) تأثیر مثبت تمرکز مالکیت بر کیفیت گزارشگری مالی را نشان دادند.

بیش‌اعتمادی مدیریت، مالکیت خانوادگی و کیفیت سود

یکی از اشکال ساختار مالکیت متمرکز، مالکیت خانوادگی است. با توجه به سهام قابل‌توجهی که شرکت‌های خانوادگی در اختیار دارند، منافع خانوادگی با منافع سهامداران اقلیت همسو می‌شود (آندرسون، دیورو و ریب[9]، ۲۰۱۲؛ ۱۷۴۹). گومز-مجیا، کروز و ایمپرتور[10] (۲۰۱۴) یک توضیح جایگزین برای مفهوم مالکیت خانوادگی شناسایی کردند که ریشه در دیدگاه ثروت اجتماعی-عاطفی دارد. بر اساس این نظریه، خانواده‌ها وابستگی عاطفی به کسب و کار خود نشان می‌دهند. کسب‌وکارهای خانوادگی علاوه بر اهداف مالی به دنبال اهداف عاطفی و غیر مالی (شهرت، طول عمر و انتقال کسب و کار به نسل بعدی) هستند (گومز-مجیا، هاینس، نونز-نیکل، جاکوبسن و مویانو-فیونتس[11]، ۲۰۰۷؛ ۱۰۹). در راستای فرضیه همسویی منافع، اندرسون و ریب[12] (۲۰۰۳) استدلال کردند که مالکیت خانوادگی به کاهش رفتار فرصت‌طلبانه مدیرعامل کمک می‌کند و

[1] Ali, Rehman, Sarwar, Shoukat & Farooq
[2] Shleifer & Vishny
[3] Demsetz
[4] Tessema, Kim & Dandu
[5] Elage & Mard
[6] Chen, Wang, Albitar & Huang
[7] Giordino, Jabeen, Nirino & Bresciani
[8] Arthur, Chen & Tang
[9] Anderson, Duru & Reeb
[10] Gomez-Mejia, Cruz & Imperatore
[11] Gómez-Mejía., Haynes, Núñez-Nickel, Jacobson & Moyano-Fuentes
[12] Anderson & Reeb

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

مکانیزمی مؤثر برای کاهش ناهنجاری‌های مالی است. هاشمی، برهمانا و لایو[1] (۲۰۱۸) دریافتند که شرکت‌های تحت کنترل مالکیت خانوادگی، کیفیت سود بالاتری نسبت به همتایان غیر خانوادگی خود دارند. بونلرت‌یوتاری و سن[2] (۲۰۱۹) نشان دادند که فعالان بازار مالی به سود حاصل از کسب‌وکارهای خانوادگی اعتماد بیشتری دارند. محمدی (۱۳۹۹) نشان داد که در کسب‌وکارهایی که مالکیت خانوادگی دارند، تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری بیشتر است. بر اساس نظریه ثروت اجتماعی-عاطفی، خانواده‌ها به دنبال اهداف بلندمدت و غیرمالی و انتقال شرکت از طریق نسل‌ها هستند (برون، کروز، گومز-مجیا و لاراز-کینتانا[3]، ۲۰۱۰؛ ۸۵). در این راستا، مطالعه کروز، لاراز-کینتانا، گارکز-گالدیانو و برون[4] (۲۰۱۴) نشان داد که شرکت‌های خانوادگی تمایل بیشتری به اتخاذ شیوه‌های مؤثرتری برای محافظت از شهرت اجتماعی خود دارند. سوگیر، لاسود و بوزگارو[5] (۲۰۲۳) نیز دریافتند که شرکت‌های فرانسوی تحت مالکیت نهادی و خانوادگی، رفتار اعتماد بیش از حد مدیرعامل نسبت به شیوه‌های اجتناب از مالیات شرکتی را کاهش می‌دهند. دستاوردهای تجربی خوشکار و سرشار (۱۴۰۱) نشان داد که بیش‌اعتمادی مدیریت بر رابطه بین مالکیت شرکت‌های خانوادگی و سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه تأثیر مثبت و معناداری دارد. چنین استدلال می‌شود که مالکیت خانوادگی می‌تواند فرهنگ مسئولیت‌پذیری را تقویت کند که می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری بهتر و تمرکز بر خلق ارزش بلندمدت به جای منافع کوتاه‌مدت شود (کروز و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۱۲۹۹). در نهایت، مالکیت خانوادگی می‌تواند ابزاری مفید برای برقراری تعادل بین اعتماد بیش از حد مدیرعامل و کیفیت سود باشد که در ایجاد یک محیط اطلاعاتی کارا تجلی پیدا می‌کند (بزوئیچ و همکاران، ۲۰۲۴).

بیش‌اعتمادی مدیریت، مالکیت مدیریتی و کیفیت سود

جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶)، مالکیت مدیریتی را به عنوان یک ابزار راهبری شرکتی مؤثر در همسویی منافع مدیریت با سهامداران در نظر می‌گیرند. اوکالاگان، اشتون و هاجکینسون[6] (۲۰۱۸) معتقدند مالکیت مدیریتی، هزینه‌های نمایندگی را کاهش می‌دهد و یک محیط اطلاعاتی غنی را تضمین می‌کند. مک‌کانل و سرویز[7] (۱۹۹۵) دریافتند که استفاده از شیوه‌های حسابداری اختیاری، نتیجه مستقیم تضادهای نمایندگی بین مدیران عامل و سهامداران است. در راستای این استدلال، آرناس، لامتیار، کورنیاواتی، کورنیانتو و کالبیوانا[8] (۲۰۲۱) نشان داد که مالکیت مدیریتی، مدیریت سود را کاهش می‌دهد. این بدان معنی است که مدیران عامل، تمایل بیشتری به ارائه سود با کیفیت بالا دارند و از استراتژی‌های دستکاری حسابداری اجتناب می‌کنند؛ زیرا آن‌ها بیشتر نگران خطر از دست دادن ثروت خود هستند (بزوئیچ و همکاران، ۲۰۲۴). فرسادامان‌الهی و کیقبادی (۱۳۹۷) نشان دادند که بین مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی و کیفیت سود رابطه معنادار و مستقیم برقرار است. مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد که صاحبان شرکت نیز هستند، اغلب ریسک‌گریز هستند و نسبت به ضرر و زیان حساسیت بیشتری نشان می‌دهند (چن[9]، ۲۰۰۶؛ ۱۶۴). علاوه بر این، مالکیت مدیریتی می‌تواند شفافیت را ارتقا دهد؛ زیرا مدیرانی که سهام قابل‌توجهی از شرکت دارند، از کیفیت سود بالایی نیز بهره‌مند می‌شوند (کالدونسکی، جوارتوسکی و میزرکا[10]، ۲۰۲۰).

بیش‌اعتمادی مدیریت، مالکیت نهادی و کیفیت سود

اغلب مطالعات، اهمیت حضور سرمایه‌گذاران نهادی در اصول و برنامه‌های راهبری شرکتی را به رسمیت می‌شناسند (بوشی و نویی[11]، ۲۰۰۰: ۱۷۲). سرمایه‌گذاران نهادی به عنوان متخصص این ظرفیت را دارند که از نظارت دقیق و مؤثرتر بر کیفیت سود اطمینان حاصل کنند (لیما، نگاش، ملیلو و لولسگد[12]، ۲۰۱۸: ۱۵۳). پاندا و لیپسا[1] (۲۰۱۹) اذعان نمودند که

[1] Hashmi, Brahmana & Lau
[2] Boonlert-U-Thai & Sen
[3] Berrone, Cruz, Gomez-Mejia & Larraza-Kintana
[4] Cruz, Larraza–Kintana, Garcés–Galdeano & Berrone
[5] Souguir, Lassoued & Bouzgarrou
[6] O'callaghan, Ashton & Hodgkinson
[7] McConnell & Servaes
[8] Arnas, Lamtiar, Kurniawati, Kurnianto & Kalbuana
[9] Chen
[10] Kałdoński, Jewartowski & Mizerka
[11] Bushee & Noe
[12] Lemma, Negash, Mlilo & Lulseged

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

سرمایه‌گذاران نهادی به راحتی به اطلاعات دسترسی دارند و دیدگاه انتقادی نسبت به رفتار مدیرعامل دارند. بر این اساس، رفتار یک مدیرعامل با اعتماد بیش از حد، می‌تواند تحت تأثیر حضور سرمایه‌گذاران نهادی باشد (بزوئیچ و همکاران، ۲۰۲۴). مالکان نهادی با توجه به دانش مالی و معیارهای استقلال خود، قادر به اجرای نقش نظارتی خود هستند که به نوبه خود، ابزار و محرکی برای افزایش کیفیت سود به شمار می‌روند (ولاری و جنکینز[۲]، ۲۰۰۶: ۱۰۴۵). مشارکت فعال مالکان نهادی در فعالیت‌های راهبری شرکتی و نظارتی می‌تواند منجر به بهبود شیوه‌های گزارشگری مالی شود (جونگ و کوون[۳]، ۲۰۰۲: ۳۰۴). هند[۴] (۱۹۹۰) نشان داد که سرمایه‌گذاران نهادی، اطلاعات دقیق‌تری در اعلامیه‌های سود تفسیر می‌کنند. هادانی، گوراوونا و خان[۵] (۲۰۱۱) دریافتند که حضور مالکان نهادی، اثر کاهشی بر دستکاری ارقام حسابداری در صورت‌های مالی دارند. هاشم و دوی[۶] (۲۰۱۲) اثر مثبت سرمایه‌گذاران نهادی متمرکز بر کیفیت سود گزارش شده را نشان دادند. از این یافته‌ها چنین استنباط می‌گردد که مالکیت نهادی، یک سازوکار مؤثر برای تضمین کیفیت سود است و ممکن است به‌طور مؤثر رفتار مدیریتی بیش از حد مطمئن را کنترل کند (سوسانتو، آدریان و پیرزادا[۷]، ۲۰۱۹: ۵۱۹). با عنایت به استدلال‌های ذکر شده در فوق، فرضیه های پژوهش به صورت زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود تأثیر منفی معناداری دارد.

فرضیه دوم: ساختار مالکیت متمرکز، اثر بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود شرکت را تضعیف می‌کند.

فرضیه سوم: مالکیت خانوادگی، اثر بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود شرکت را تضعیف می‌کند.

فرضیه چهارم: مالکیت مدیریتی اثر بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود شرکت را تضعیف می‌کند.

فرضیه پنجم: مالکیت نهادی اثر بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود شرکت را تضعیف می‌کند.

پیشینه پژوهش

اسماعیل، سامی-الدیب و عبدالحافظ[۸] (۲۰۲۴) نشان دادند مالکیت نهادی به‌طور قابل‌توجهی یکپارچگی گزارش را از طریق نظارت و نظارت مؤثر افزایش می‌دهد. همچنین یافته‌ها، تأثیر مثبت تمرکز مالکیت در نظارت بر شیوه‌های گزارش‌دهی و کاهش فرصت‌طلبی مدیریتی و در نتیجه، بهبود شفافیت و قابلیت اطمینان افشای مالی را نشان داد. السلطان و حسینی[۹] (۲۰۲۴) با بررسی اثر تعدیل‌کننده ساختار مالکیت بر رابطه بین معاملات اشخاص وابسته و کیفیت سود نشان دادند بین معاملات اشخاص وابسته و کیفیت سود ارتباط منفی وجود دارد. علاوه بر این، اثر نامطلوب معاملات اشخاص وابسته بر کیفیت سود زمانی تشدید می‌شود که مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی به عنوان متغیرهای تعدیل‌کننده وجود داشته باشد. التاف، حیدر، آصف و نسیم[۱۰] (۲۰۲۴) رابطه بین اعتماد بیش از حد مدیریت و تحریف حسابداری را در بورس اوراق بهادار پاکستان (۲۰۱۳-۲۰۲۰) بررسی کردند. نتایج آنان نشان داد که اعتماد بیش از حد مدیریتی از طریق استفاده از رویکردهای حسابداری تهاجمی برای سودآوری، منجر به پیش‌بینی‌های غیرمنطقی و تصمیمات مالی غیر بهینه و ناکارایی سرمایه‌گذاری و در نهایت تحریف حسابداری می‌شوند.

الدوساری و حسین[۱۱] (۲۰۲۴) نشان دادند مالکیت مدیریتی و اهرم، به ترتیب تأثیر مثبت و منفی بر کیفیت سود دارند. همچنین، نتایج نشان داد که مالکیت نهادی و اندازه هیئت‌مدیره بر کیفیت سود تأثیر مثبت اما غیر معناداری دارد. در نهایت،

[1] Panda & Leepsa
[2] Velury & Jenkins
[3] Jung & Kwon
[4] Hand
[5] Hadani, Goranova & Khan
[6] Hashim & Devi
[7] Susanto, Adrianne & Pirzada
[8] Ismail, Samy El-Deeb & Abd El–Hafiezz
[9] Alsultan & Hussainey
[10] Altaf, Haider, Asif & Naseem
[11] Aldoseri & Hussein

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

تأثیر منفی و غیر معنادار برای تمرکز مالکیت، استقلال هیئت‌مدیره، دوگانگی مدیرعامل و اندازه شرکت مستند شد. مرزوکی و بن‌عمار[1] (۲۰۲۴) نشان دادند بین بیش‌اعتمادی مدیریت و مدیریت سود رابطه مثبت وجود دارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد اخلاق تجاری، رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریت و مدیریت سود را تعدیل می‌کند. هو، یه، یو و همکاران [2] (۲۰۲۴) همبستگی معناداری بین بیش اعتمادی مدیریت و افشای اطلاعات شرکت را مستند نمود. همچنین، اعتماد بیش از حد مدیریتی به‌طور قابل‌توجهی منجر به افزایش مدیریت سود مبتنی بر تعهدی و افشای داوطلبانه اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت می‌شود. در نهایت، مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد، تمایل بیشتری به اتخاذ لحن افشای مثبت دارند و تمایل دارند خطرات آتی را در افشای اطلاعات آینده‌نگر دست کم بگیرند.

واهیونینگتیاس و رحمان[3] (۲۰۲۳) نشان دادند فرصت‌های سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت سود دارد، در حالی که تداوم سود تأثیری بر کیفیت سود ندارد. مالکیت مدیریتی تنها می‌تواند رابطه فرصت‌های سرمایه‌گذاری و کیفیت سود را تعدیل کند. با این حال، مالکیت مدیریتی رابطه بین دو متغیر تداوم سود و ساختار سرمایه و کیفیت سود را تعدیل نمی‌کند. سافیتری، مولیاساری و نوفیانتی[4] (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای نشان دادند مالکیت مدیریتی تأثیر منفی و معناداری بر ارزش شرکت دارد. علاوه بر این، مالکیت مدیریتی تأثیر قابل‌توجه و مطلوبی بر محافظه‌کاری حسابداری و کیفیت سود دارد. نهایتا اینکه محافظه‌کاری حسابداری و کیفیت سود نقش میانجی بر تعامل بین مالکیت مدیریتی و ارزش شرکت دارند. رجب‌علی‌زاده[5] (۲۰۲۳) نشان داد بیش اعتمادی مدیریت، به‌طور مثبت با پیچیدگی گزارشگری مالی مرتبط است که در ادامه موجب کاهش خوانایی گزارشگری مالی می‌شود و این نتیجه در شرکت‌هایی با سودآوری پایین‌تر نسبت به شرکت‌هایی با سودآوری بالاتر، بارزتر است. سوگیر و همکاران (۲۰۲۳) نیز دریافتند که شرکت‌های با مالکیت خانوادگی از شیوه‌های اجتناب از مالیات جلوگیری می‌کنند و به افق‌های بلندمدت و نگرانی‌های شهرت خود توجه می‌کنند. به عبارت بهتر، شرکت‌های فرانسوی تحت مالکیت نهادی و خانوادگی، رفتار اعتماد بیش از حد مدیرعامل نسبت به شیوه‌های اجتناب از مالیات شرکتی را کاهش می‌دهند.

المالکی، صالحی و مرادی[6] (۲۰۲۱) با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۸۹۶ مشاهدات برگرفته از بورس اوراق بهادار تهران و ۲۴۵ مشاهدات از بورس اوراق بهادار عراق طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ نشان دادند خودشیفتگی مدیریتی به طور مثبت و معناداری با قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ایران مرتبط است. در مقابل، داده‌های عراقی ارتباط منفی بین این دو متغیر را بیان می‌کنند. علاوه بر این، بین اعتماد بیش از حد مدیریت و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در هر دو کشور رابطه منفی وجود دارد.

در بین مطالعات داخلی نیز پژوهشگرانی همچون عطاراسدی و همکاران (۱۴۰۳) با استفاده از نمونه‌ای شامل ۱۵۲ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ نشان دادند که علاوه بر وجود رابطه معنادار مثبت بین وقوع تقلب با ساختار سرمایه و ساختار مالکیت، کیفیت حسابرسی از اثرات تعدیل‌کنندگی منفی و بیش‌اعتمادی مدیران نیز از اثرات مداخله‌گری فزاینده بر ارتباط مثبت بین تقلب با ساختار سرمایه و ساختار مالکیت برخوردار بوده و ارتباطات سیاسی فاقد هرگونه اثرات تعدیل‌کنندگی می‌باشد. محمدی، یوسفوند و رضوی (۱۴۰۳) نشان دادند که رابطه معنادار و مثبت بین رفتار ریسک‌پذیری بر عملکرد مالی و کیفیت سود وجود دارد. همچنین، سایر نتایج پژوهش نشان داد که بحران مالی، تأثیر منفی و معناداری بر رابطه بین کیفیت سود و عملکرد مالی دارد. بر اساس نتایج پژوهش طاهری و شیخ‌زاده (۱۴۰۲)، رابطه معنادار و منفی بین خوانایی گزارشگری مالی و هزینه سرمایه شرکت وجود دارد. همچنین، مدیریت سود به عنوان شاخص اندازه‌گیری کیفیت سود، رابطه منفی بین خوانایی و هزینه‌های تأمین مالی را تشدید می‌کند. همچنین، کیفیت حسابرسی در شرکت‌هایی که خوانایی پایین‌تری داشته‌اند، هزینه سرمایه را در جهت مثبت تعدیل می‌کند.

[1] Marzouki & Ben Amar
[2] Hu, Ye, Yu, Piao, Huang & Li
[3] Wahyuningtyas & Rahman
[4] Safitri, Mulyasari & Nofianti
[5] Rajabalizadeh
[6] Almaleki, Salehi & Moradi

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

مهرفر، کاظمی و رضایی (۱۴۰۲) با استفاده از نمونه‌ای مشتمل بر ۱۷۱ شرکت (۱۳۹۶-۱۳۹۰) تأثیر معنادار و معکوس خوش‌بینی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی را نشان دادند. همچنین نتایج نشان داد، ویژگی‌های شخصیتی مدیران با شیوه‌های گزارشگری مالی رابطه معناداری دارد؛ به عبارتی، با افزایش خوش‌بینی مدیریت، کیفیت گزارشگری کاهش می‌یابد.

بشیری‌منش، حاجی‌زاده و قبادی (۱۴۰۱) (۱۴۰۱) نشان دادند بیش‌اطمینانی مدیران، اثر کاهشی بر سطح قابلیت اتکای اطلاعات مالی و ارائه به موقع اطلاعات دارد. همچنین، خودشیفتگی مدیران سبب کاهش قابلیت اتکای صورت‌های مالی و کاهش تأخیر در ارائه گزارش‌های مالی می‌شود. کوته‌بینی مدیریت باعث کاهش قابلیت اتکای اطلاعات مالی و مدیریت سود بیشتر می‌گردد؛ اما تأثیری بر ارائه به موقع اطلاعات ندارد. خوشکار و سرشار (۱۴۰۱) با استفاده از داده‌های ۱۴۶ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۹۹-۱۳۹۲) نشان دادند بین مالکیت شرکت‌های خانوادگی و سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه، رابطه مثبت و معناداری برقرار است. همچنین، ویژگی‌های روان‌شناختی مدیران (بیش‌اعتمادی مدیریت) بر رابطه بین مالکیت شرکت‌های خانوادگی و سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه تأثیر مثبت و معنادار دارد. دهقان، پورحیدری و خدامی‌پور (۱۴۰۱) نیز نشان دادند دقت پیش‌بینی سود، تأثیر مثبت و معناداری بر کارایی سرمایه‌گذاری دارد. علاوه بر این، تمرکز مالکیت، تأثیر دقت پیش‌بینی سود بر کارایی سرمایه‌گذاری را تعدیل می‌کند، درحالی‌که مالکیت نهادی، نقش تعدیل‌کننده ندارد.

کاشانی‌پور، قنبری و بایزیدی (۱۳۹۸) در پژوهشی تجربی، به بررسی پیامدهای اقتصادی بیش‌اعتمادی مدیران پرداختند. نتایج نشان داد که در سطح کل شرکت‌ها، مخارج سرمایه‌ای به عنوان معیار بیش‌اعتمادی مدیران بر مدیریت سود و بر افزایش هزینه‌های حسابرسی متعاقب کاهش کیفیت گزارشگری مالی، تأثیر مثبت و معنادار و همچنین بر کاهش (افت) نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری متعاقب کاهش کیفیت گزارشگری مالی، تأثیر منفی و معنادار دارد. علاوه بر این، درماندگی مالی شرکت‌ها، مستقل از بیش اعتمادی مدیران و کاهش کیفیت گزارشگری مالی، متعاقب آن است. نتایج پژوهش حساس‌یگانه و حسنی‌القار (۱۳۹۸) نشان داد بیش‌اطمینانی مدیریت، اثر کاهشی بر کارایی سرمایه‌گذاری دارد. همچنین، دیگر نتایج آنان نشان داد کیفیت گزارشگری مالی، رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و کارایی سرمایه‌گذاری را تضعیف می‌کند.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، به بررسی تأثیر بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود با نقش تعدیل‌کنندگی ساختار مالکیت پرداخته شده است؛ بنابراین می‌توان این پژوهش را به عنوان پژوهش کاربردی، توصیفی و مبتنی بر تحلیل رگرسیونی طبقه‌بندی نمود. در این پژوهش، جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که حائز شرایط ذیل باشند:

۱) شرکت‌ها تا سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته باشند و تا پایان سال ۱۴۰۲ در بورس فعال باشند.

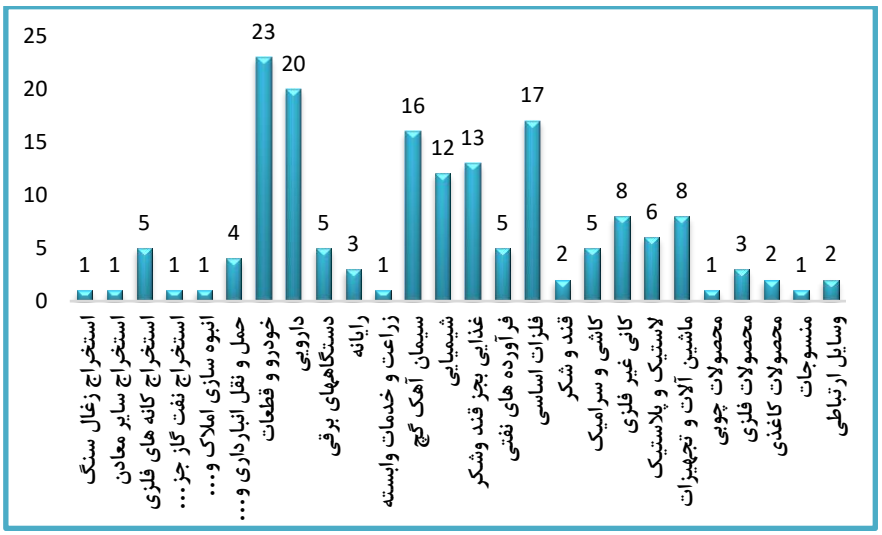
۲) به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند بوده و طی بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ سال مالی خود را تغییر نداده باشند.

۳) به دلیل ساختار گزارشگری جداگانه‌ای که شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی (بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، بانک‌ها، لیزینگ‌ها و مؤسسات مالی) دارند، از نمونه حذف شدند.

۴) اطلاعات صورت‌های مالی و گزارش فعالیت هیئت‌مدیره به مجمع عمومی عادی سالیانه حقوق صاحبان سهام آنها در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ در دسترس باشد.

در مجموع، تعداد ۱۶۶ شرکت حائز شرایط فوق بودند که داده‌های آنها با استفاده از نرم‌افزار اکسل گردآوری، تلخیص، طبقه‌بندی و پالایش گردید و نهایتاً با استفاده از نرم‌افزار ایویوز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]



نمودار (۱): توزیع فراوانی شرکت‌های نمونه بر حسب صنعت

منبع: محاسبات پژوهش

مدل‌های پژوهش، متغیرها و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش با الهام از پژوهش‌های بزوئیچ و همکاران (۲۰۲۴)، اسماعیل و همکاران (۲۰۲۴)، صالحی و همکاران (۲۰۲۰)، عطاراسدی و همکاران (۱۴۰۳) و با اتکا بر مبانی نظری تشریح شده در بخش‌های پیشین، پنج مدل رگرسیونی به شرح زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

مدل آزمون فرضیه اول:

$$EQ_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 COE_OC_{it} + \alpha_2 ROA_{it} + \alpha_3 CAPEX_{it} + \alpha_4 MTB_{it} + \alpha_5 LEV_{it} + Size_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱):$$

مدل آزمون فرضیه‌های دوم تا پنجم:

$$EQ_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 COE_OC_{it} + \sum_{i=1}^{4} Moderator_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 CAPEX_{it} + \alpha_6 MTB_{it} + \alpha_7 LEV_{it} + Size_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۲):$$

در مدل‌های فوق، متغیرها به شرح زیر می‌باشند:

متغیر مستقل پژوهش

بیش‌اعتمادی مدیریت (COE_OC_{it}): به منظور سنجش میزان بیش اعتمادی مدیریت، از شاخص سرمایه‌گذاری بیش از حد استفاده شده است؛ بدین خاطر خطای باقیمانده رگرسیون مبتنی بر سرمایه‌گذاری به پیروی از شراند و زچمن (۲۰۱۲) انتخاب شده است. این شاخص که بیانگر میزان سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها است، از باقیمانده رگرسیون رشد کل دارایی‌ها بر رشد فروش حاصل می‌شود. چنانچه خطای باقیمانده رگرسیون بدست آمده شرکتی بزرگتر یا مساوی صفر باشد، بیش اعتمادی مدیران در آن شرکت تایید می‌گردد و عدد یک به آن اختصاص داده می‌شود و در صورتی که خطای باقیمانده رگرسیون شرکتی منفی باشد، بیانگر عدم بیش‌اعتمادی مدیران در آن شرکت است. استفاده از این شاخص بر این مبنا است که در شرکت‌هایی که دارایی‌ها با نرخ بالاتری نسبت به فروش رشد می‌کنند، مدیران نسبت به همتایان خود، بیشتر در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند. جهت محاسبه این شاخص از مدل ریچاردسون[1] (۲۰۰۶) به شرح زیر استفاده شده است:

$$Inv_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Grow_{i,t-1} + \sum Control\ Variables i_{i,t-1} + \varepsilon_{it} \quad (۳):$$

[1] Richardson

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

که در آن:

$Inv_{i,t}$= معیار سرمایه‌گذاری که از تغییر کل دارایی‌های ثابت، سرمایه‌گذاری بلندمدت و دارایی‌های نامشهود تقسیم بر میانگین کل دارایی‌های شرکت بدست می‌آید و

$Grow_{i,t-1}$= نرخ رشد درآمد سالانه شرکت است.

Control $Variables_{i,t-1}$= شامل متغیرهای کنترلی اهرم مالی، نسبت کل بدهی‌ها به دارایی‌ها، نسبت وجه نقد و سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت تقسیم بر میانگین دارایی‌ها و اندازه شرکت می‌باشد.

ε_{it}= مقدار باقیمانده رگرسیون می‌باشد که باقیمانده مثبت بیانگر بیش‌سرمایه‌گذاری و باقیمانده منفی بیانگر کم‌سرمایه‌گذاری است ((مرادی، سلیمانی و پوریوسف، ۱۴۰۲؛ ۱۴).

متغیر وابسته پژوهش

کیفیت سود (EQ_{it}): برای اندازه‌گیری متغیر کیفیت سود به پیروی از واهیونینگتیاس و رحمان (۲۰۲۳)، از قدر مطلق مقادیر باقیمانده مدل جونز تعدیل شده (۲۰۰۲) به صورت زیر ضرب در عدد منفی یک استفاده گردیده است. به منظور استانداردسازی اعداد و ارقام و سهولت محاسبات، دو طرف معادله از طریق تقسیم بر دارایی‌های اول دوره مقیاس‌زدایی شده‌اند:

$$\frac{TACC_{it}}{TA_{it-1}} = \beta_1 \frac{1}{TA_{it-1}} + \beta_2 \frac{GREV_{it} - GREC_{it}}{TA_{it-1}} + \beta_3 \frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} + \varepsilon_{it} \quad (۴)$$

در مدل فوق،

$\boldsymbol{TACC_{it}}$= برابر با کل اقلام تعهدی شرکت در سال جاری است که بر اساس رویکرد مبتنی بر صورت جریان وجه نقد (سود خالص منهای جریان‌های نقد عملیاتی) اندازه‌گیری شده است.

$\boldsymbol{TA_{it-1}}$= برابر با جمع ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت در سال t-1 است.

$\boldsymbol{GREV_{it}}$= تغییرات درآمد فروش شرکت نسبت به سال گذشته،

$\boldsymbol{GREC_{it}}$= برابر با تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتنی نسبت به سال گذشته و نهایتاً،

$\boldsymbol{PPE_{it}}$= جمع دارایی‌های ثابت مشهود شرکت در سال جاری است (ولی‌زاده لاریجانی، ۱۴۰۳؛ ۳۸۰).

متغیر تعدیل‌گر پژوهش

ساختار مالکیت: برای سنجش متغیر ساختار مالکیت، مطابق با بزوئیچ و همکاران (۲۰۲۴)، از چهار مؤلفه تمرکز مالکیت، مالکیت خانوادگی، مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی استفاده شده است که نحوه اندازه‌گیری هرکدام به شرح زیر است:

تمرکز مالکیت (OWN_CON_{it}): تمرکز مالکیت به حالتی اطلاق می‌گردد که میزان درخور ملاحظه‌ای از سهام شرکت به سهامداران عمده (اکثریت) تعلق داشته باشد و نشان می‌دهد که چند درصد سهام شرکت در دست عده‌ی محدودی قرار دارد. از آنجایی که تمرکز مالکیت به عنوان یک عامل تعیین‌کننده و بااهمیت راهبری شرکتی شناخته شده است؛ لذا به نظر می‌رسد که هویت مالکان کنترل‌کننده، نقش اساسی در رابطه با مالکیت-عملکرد داشته باشد. در پژوهش حاضر، تمرکز مالکیت با استفاده از شاخص هرفیندال-هیرشمن (HHI) از طریق رابطه زیر محاسبه می‌گردد:

$$HHI = \sum_{i=1}^{n} (Si)^2 \quad (۵)$$

که در آن:

Si: درصد مالکیت نهادی است.

برای شرکت‌هایی که مقدار شاخص هرفیندال-هیرشمن از میانگین بالاتر باشد، ارزش یک و برای بقیه شرکت‌ها ارزش صفر لحاظ خواهد شد (مکاری، ۱۴۰۲؛ ۱۴۶).

مالکیت خانوادگی (FAM_OWN_{it}): بر اساس پژوهش رضائی پیته‌نوئی و غلامرضاپور (۱۳۹۹) و عرب، غلامرضاپور، امیرنیا و کاظمی (۱۴۰۰) از یکی از دو شرط زیر برای تعریف مالکیت خانوادگی شرکت در ایران استفاده شده است:

الف) سهامدار حقیقی مالک حداقل ۲۰ درصد سهام عادی شرکت باشد، یا

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

ب) یکی از اعضای هیئت‌مدیره (یا خود و بستگانش) مالک حداقل ۵ درصد سهام عادی شرکت باشد؛ بنابراین، در پژوهش حاضر، اگر شرکتی یکی از ویژگی‌های فوق را داشته باشد، خانوادگی محسوب شده و عدد یک به آن تعلق می‌گیرد و در غیر این صورت عدد صفر به آن تخصیص داده می‌شود.

مالکیت مدیریتی (MAN_OWN_{it}): از طریق میزان سهام در اختیار مدیران اندازه‌گیری می‌شود (رحمانیان کوشککی و ذیلابی، ۱۴۰۳؛ ۱۰۴).

مالکیت نهادی (INS_OWN_{it}): مالکیت نهادی از مجموع سهام در اختیار سرمایه‌گذاران نهادی بر کل سهام منتشره شرکت محاسبه می‌شود (رحمانیان کوشککی و ایمان‌روی، ۱۴۰۰؛ ۵۹).

متغیرهای کنترلی پژوهش

مطابق با پژوهش‌های بزوئیچ و همکاران (۲۰۲۴)، یانگ و روت[1] (۲۰۱۹)، آقابابائی و همکاران (۱۴۰۲) و فرهادی کشکولی (۱۴۰۱)، متغیرهای زیر به مدل‌های رگرسیونی اضافه شدند تا روابط بین متغیرها به نحو بهتری کنترل شود:

سودآوری (ROA_{it}): از طریق نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها حاصل می‌شود.

فرصت‌های رشد (MTB_{it}): برابر است با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری.

اهرم مالی (LEV_{it}): برابر با نسبت کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌های شرکت است.

مخارج سرمایه‌ای ($CAPEX_{it}$): از طریق تغییرات خالص سرمایه‌گذاری شرکت نسبت به ابتدای دوره محاسبه می‌شود. منظور از مخارج خالص سرمایه‌گذاری، مبالغی است که صرف خرید یا بهبود و ارتقای دارایی‌های سرمایه‌ای مانند ماشین‌آلات، ساختمان‌های تجاری و تولیدی، وسایل نقلیه و غیره می‌شود و از تفاوت خالص ارزش دفتری دارایی‌های ثابت در ابتدا و پایان دوره به‌علاوه هزینه استهلاک محاسبه می‌گردد.

اندازه شرکت ($Size_{it}$): برابر لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نتایج به‌دست‌آمده در بخش آمار توصیفی (جدول ۱) نشان می‌دهد میانگین بیش‌اعتمادی مدیریت شرکت‌ها تقریبا ۴۴ درصد بوده که از حد میانی طیف (۵۰ درصد) کمتر است. داده‌های این متغیر نشان‌دهنده نوعی سوگیری در تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران شرکت‌های بورسی است؛ مقادیر کمتر آن نگرش عقلایی و عملکرد مطلوب مدیریت شرکت را نشان می‌دهد؛ میانگین این متغیر نشان می‌دهد بیشتر شرکت‌های بورسی از مدیرانی برخوردارند که دچار سوگیری بیش‌اعتمادی نیستند. امتیاز متغیر کیفیت سود با استفاده از باقیمانده‌های مدل تعدیل‌شده جونز به‌دست آمده که با علامت منفی گزارش شده است؛ میانگین این متغیر تقریباً ۹ درصد است و با کیفیت مطلوب سود در نمونه پژوهش یعنی ۳ درصد تفاوت معناداری دارد. آمار توصیفی تمرکز مالکیت نشان می‌دهد در ۴۹ درصد شرکت‌های نمونه بورسی، میزان قابل ملاحظه‌ای از سهام شرکت به سهامداران عمده (اکثریت) تعلق دارد. آمار توصیفی مالکیت خانوادگی نشان می‌دهد در ۳۷ درصد شرکت‌های نمونه بورسی یا سهامدار حقیقی مالک حداقل ۲۰ درصد سهام عادی شرکت بوده و یا یکی از اعضای هیئت‌مدیره (خود و بستگانش) مالک حداقل ۵ درصد سهام عادی شرکت بوده‌اند. علاوه بر این، تقریباً ۵۱ درصد سهام شرکت‌های مورد بررسی در اختیار سهامداران نهادی بوده است. نتایج مربوط به متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد میانگین سودآوری شرکت که با بازده دارایی‌ها اندازه‌گیری شده برابر با ۱۴ درصد است؛ با توجه به وجود نرخ تورم بالا در اقتصاد ایران، این بازدهی و نرخ سودآوری مطلوب نیست. امتیاز فرصت رشد، ارزش بازار شرکت نسبت به ارزش دفتری آن را نشان می‌دهد؛ با در نظر گرفتن مقدار کمینه و بیشینه این متغیر، شرکت‌های مورد بررسی تفاوت بااهمیتی در ارزش‌گذاری سهام خود در بورس دارند. آمار توصیفی اهرم مالی نشان می‌دهد شرکت‌ها به‌طور میانگین ۵۴ درصد حجم دارایی‌های خود دارای بدهی بوده‌اند.

[1] Yung & Root

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	چولگی	کشیدگی
بیش‌اعتمادی مدیریت	۰/۴۴۱	۰	۱	۰	۰/۲۳۵	۱/۰۵۵
کیفیت سود	-۰/۰۸۹	-۰/۰۷۷	-۰/۰۳۰	-۰/۱۶۷	-۰/۳۵۶	۱/۵۸۷
تمرکز مالکیت	۰/۴۹۷	۰	۱	۰	۰/۰۱۲	۱/۰۰۱
مالکیت خانوادگی	۰/۳۷۲	۰	۱	۰	۰/۵۳۱	۱/۲۸۲
مالکیت مدیریتی	۰/۵۱۰	۰/۵۱۹	۰/۹۹۹	۰/۰۰۱	-۰/۰۳۱	۱/۷۵۴
مالکیت نهادی	۰/۵۱۰	۰/۵۱۶	۰/۸۰۵	۰/۲۰۹	-۰/۰۲۵	۱/۴۳۸
سودآوری	۰/۱۴۲	۰/۱۲۸	۰/۲۸۱	۰/۰۲۵	۰/۲۲۷	۱/۵۱۶
فرصت رشد	۳/۸۲۵	۳/۳۱۵	۶/۷۶۲	۱/۸۱۷	۰/۴۹۲	۱/۶۸۹
اهرم مالی	۰/۵۳۸	۰/۵۳۴	۰/۷۱۷	۰/۳۵۶	-۰/۰۱۴	۱/۴۹۴
مخارج سرمایه‌ای	۰/۱۴۸	۰/۱۳۰	۰/۲۶۵	۰/۰۵۵	۰/۲۹۶	۱/۵۰۵
اندازه شرکت	۱۴/۹۳۲	۱۴/۷۳۴	۱۶/۳۹۱	۱۳/۶۹۵	۰/۲۲۸	۱/۵۲۷

منبع: محاسبات پژوهش

آمار استنباطی

آزمون‌های تشخیصی مدل

پس از این‌که پیش‌فرض‌های رگرسیون خطی چند متغیره بررسی شد و شرایط لازم برای برازش مدل‌های رگرسیونی فراهم شد، روش برازش باید به‌طور متناسب و مطلوب انتخاب شود. معمولاً از آزمون چاو (F لیمر) برای انتخاب مدل ترکیبی و یا تلفیقی استفاده می‌شود. فرض یکسان بودن عرض از مبدأ در برابر فرضیه مقابل آن، از طریق آزمون چاو بررسی می‌شود. اگر چنانچه نتیجه آزمون چاو برآورد مدل به روش داده‌های پانلی (تابلویی) باشد، باید انتخاب بین روش اثرات ثابت و روش اثرات تصادفی بر اساس نتایج آزمون هاسمن تعیین شود. درصورتی‌که سطح خطای این آزمون بالاتر از ۵ درصد باشد از روش اثرات تصادفی و اگر کمتر از سطح خطای ۵ درصد باشد روش اثرات ثابت به کار گرفته می‌شود. نتایج آزمون‌های چاو (F لیمر) و هاسمن در جدول نتایج برآورد مدل‌های پژوهش گزارش شده است و بر اساس آن هر سه مدل پژوهش باید به روش اثرات ثابت برآورد شوند؛ همچنین، نتایج آزمون ناهمسانی واریانس با استفاده از آماره والد تعدیل‌شده و نتایج آزمون خودهمبستگی با استفاده از آماره ولدریج در جدول نتایج گزارش شده است. با توجه این‌که متغیرهای به کار گرفته شده در این سه مدل، مشکل ناهمسانی واریانس دارند، در برازش مدل به‌جای حداقل مربعات معمولی از حداقل مربعات تعمیم‌یافته (وزنی) بهره گرفته شده است.

تخمین مدل‌های رگرسیونی

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

در جدول (۲) نتایج برازش مدل اول پژوهش ارائه شده است. بر اساس نتایج مشاهده می‌شود آماره F برای این مدل رگرسیونی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است و در نتیجه معناداری کلی رگرسیون خطی تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل نشان می‌دهد تقریباً ۴۳ درصد از تغییرات متغیر کیفیت سود شرکت‌های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی این مدل توضیح داده می‌شود. هم‌خطی وجود رابطه خطی شدید بین متغیرهای توضیحی مدل را نشان می‌دهد که موجب تورش ضرایب آن و بی‌اعتباری نتایج می‌شود. یکی از آزمون‌های مورداستفاده برای بررسی وجود هم‌خطی، آماره عامل تورم واریانس است که اگر از عدد ۱۰ کوچک‌تر باشد، عدم هم‌خطی شدید را نشان می‌دهد. بر اساس نتیجه این آزمون، هم‌خطی شدید در مدل وجود ندارد. با توجه به نتیجه آماره ولدریج و به علت وجود خودهمبستگی در این مدل، برای آزمون نهایی مدل رگرسیون از طریق روش اثرات ثابت، از متغیر کمکی AR استفاده شده است. خودهمبستگی مرتبه اول باقیمانده‌های مدل از طریق آزمون دوربین-واتسون بررسی شده است و چون نتایج این آماره در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، عدم وجود خودهمبستگی باقیمانده‌های مدل تأیید می‌شود.

جدول (۲): نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	t-Statistic	Prob	VIF

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

مقدار ثابت	-۰/۱۸۵	۰/۰۴۵	-۴/۰۱۳	۰/۰۰۰	-
بیش‌اعتمادی مدیریت	-۰/۱۰۶	۰/۰۲۹	-۳/۴۳۶	۰/۰۰۰	۱/۰۰۶
سودآوری	۰/۰۷۸	۰/۰۳۲	۲/۴۲۱	۰/۰۱۶	۴/۷۸۵
مخارج سرمایه‌ای	-۰/۱۰۲	۰/۰۳۵	-۲/۹۱۹	۰/۰۰۴	۴/۱۰۳
فرصت رشد	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۴۳۳	۰/۶۶۵	۱/۵۳۲
اهرم مالی	-۰/۰۰۵	۰/۰۱۵	-۰/۳۰۶	۰/۷۵۹	۱/۵۱۶
اندازه شرکت	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	-۲/۰۵۲	۰/۰۴۰	۱/۳۲۰
ضریب تعیین		۰/۴۷۷	ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰/۴۳۲
F-Statistic		۱۳/۴۳۲	Prob-F		۰/۰۰۰
آماره دوربین واتسون		۲/۰۷۶			
آماره آزمون چاو	۳/۰۶۵	سطح معناداری	۰/۰۰۰	الگوی داده‌های تابلویی	
آماره آزمون هاسمن	۱۵/۴۷۳	سطح معناداری	۰/۰۱۷	اثرات ثابت	
آماره والد تعدیل‌شده	۳۲۵۴/۷۲	سطح معناداری	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس وجود دارد.	
آماره ولدریج	۹/۷۲۱	سطح معناداری	۰/۰۰۲	خودهمبستگی وجود دارد.	

منبع: محاسبات پژوهش

بر اساس نتایج جدول (۲)، سطح معناداری به‌دست‌آمده برای متغیر بیش‌اعتمادی مدیریت کمتر از خطای ۵ درصد می‌باشد و علامت ضریب آن منفی است که نشان می‌دهد بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود شرکت‌های بورسی تأثیر منفی دارد (تأیید فرضیه اول پژوهش). دیگر نتایج این مدل نشان می‌دهد سودآوری بر کیفیت سود تأثیر مثبت دارد، درحالی‌که مخارج سرمایه‌ای بر آن تأثیر منفی دارد؛ همچنین کیفیت سود در شرکت‌های بزرگ‌تر پایین‌تر است.

نتایج آزمون فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش: نقش تعدیل‌گر تمرکز مالکیت و مالکیت خانوادگی

در جدول (۳) نتایج برازش مدل دوم پژوهش ارائه شده است:

جدول (۳): نتایج آزمون فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	t-Statistic	Prob	VIF
مقدار ثابت	-۰/۱۳۲	۰/۰۲۶	-۴/۹۶۱	۰/۰۰۰	-
بیش‌اعتمادی مدیریت	-۰/۰۹۵	۰/۰۲۴	-۳/۸۳۹	۰/۰۰۰	۳/۲۱۹
تمرکز مالکیت	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۳۹۷	۰/۶۹۱	۱/۹۴۷
بیش‌اعتمادی مدیریت * تمرکز مالکیت	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۱/۲۳۰	۰/۲۶۹	۲/۵۸۵
مالکیت خانوادگی	-۰/۰۰۹	۰/۰۰۳	-۲/۸۱۳	۰/۰۰۵	۱/۹۲۷
بیش‌اعتمادی مدیریت * مالکیت خانوادگی	۰/۰۱۴	۰/۰۰۴	۲/۹۲۵	۰/۰۰۴	۳/۳۲۵
سودآوری	۰/۰۸۶	۰/۰۳۲	۲/۶۸۳	۰/۰۰۷	۴/۷۲۵
مخارج سرمایه‌ای	-۰/۱۱۳	۰/۰۳۴	-۳/۲۴۷	۰/۰۰۱	۴/۰۵۹
فرصت رشد	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۵۴۱	۰/۵۸۸	۱/۵۴۱
اهرم مالی	-۰/۰۰۵	۰/۰۱۵	-۰/۳۵۳	۰/۷۲۴	۱/۵۱۴
اندازه شرکت	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	-۲/۳۴۶	۰/۰۱۹	۱/۳۳۲
ضریب تعیین		۰/۴۸۹	ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰/۴۵۳
F-Statistic		۹/۵۶۸	Prob-F		۰/۰۰۰
آماره دوربین واتسون		۲/۰۷۲			
آماره آزمون چاو	۳/۰۸۴	سطح معناداری	۰/۰۰۰	الگوی داده‌های تابلویی	
آماره آزمون هاسمن	۲۰/۸۲۳	سطح معناداری	۰/۰۲۲	اثرات ثابت	
آماره والد تعدیل‌شده	۳۲۹۴/۸۲	سطح معناداری	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس وجود دارد.	
آماره ولدریج	۱۰/۶۱۸	سطح معناداری	۰/۰۰۱	خودهمبستگی وجود دارد.	

منبع: محاسبات پژوهش

بر اساس نتایج جدول (۳) مشاهده می‌شود آماره F برای این مدل رگرسیونی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است و در نتیجه معناداری کلی رگرسیون خطی تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل نشان می‌دهد تقریباً ۴۵ درصد از تغییرات متغیر کیفیت سود شرکت‌های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی این مدل توضیح داده می‌شود. آماره عامل تورم واریانس برای همه متغیرها از عدد ۱۰ کوچک‌تر است و عدم هم‌خطی شدید را نشان می‌دهد. با توجه به نتیجه آماره ولدریج و به علت وجود خودهمبستگی در این مدل، برای آزمون نهایی مدل رگرسیون از طریق روش اثرات ثابت، از متغیر کمکی AR

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

استفاده شده است. خودهمبستگی باقیمانده‌های مدل از طریق آزمون دوربین-واتسون بررسی شده است و چون نتیجه آن برابر با ۲/۰۷ بوده، عدم وجود خودهمبستگی باقیمانده‌های مدل تأیید می‌شود.

بر اساس نتایج جدول (۳)، متغیر تمرکز مالکیت بر کیفیت سود تأثیر معناداری ندارد؛ همچنین، سطح معناداری به‌دست‌آمده برای متغیر تعدیل‌گر "بیش‌اعتمادی مدیریت*تمرکز مالکیت" در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست و نشان می‌دهد تمرکز مالکیت رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریت و کیفیت سود شرکت را تعدیل نمی‌کند؛ بنابراین، فرضیه دوم پژوهش رد می‌شود. علاوه بر این، نتایج برآورد این مدل نشان می‌دهد ضریب متغیر تعدیل‌گر "بیش‌اعتمادی مدیریت*مالکیت خانوادگی" معنادار است و مالکیت خانوادگی، رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریت و کیفیت سود شرکت را تعدیل می‌کند. به بیان دیگر، متغیر تعدیل‌گر مالکیت خانوادگی، ضریب منفی بیش‌اعتمادی مدیریت را تضعیف نموده و عملاً از منفی به مثبت تبدیل نموده است (از ۰/۰۹۵- به ۰/۰۱۴ رسیده است)؛ بنابراین، مالکیت خانوادگی اثر بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود را تضعیف نموده و فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود. دیگر نتایج برآورد مدل دوم پژوهش نشان می‌دهد سودآوری بر کیفیت سود تأثیر مثبت دارد، درحالی‌که مخارج سرمایه‌ای و اندازه شرکت موجب کاهش کیفیت سود می‌شوند.

نتایج آزمون فرضیه‌های چهارم و پنجم پژوهش: نقش تعدیل‌گر مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی

در جدول (۴) نتایج برازش مدل سوم پژوهش ارائه شده است:

جدول (۴): نتایج آزمون فرضیه‌های چهارم و پنجم پژوهش

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	t-Statistic	Prob	VIF
مقدار ثابت	-۰/۱۴۴	۰/۰۲۹	-۴/۶۹۷	۰/۰۰۰	-
بیش‌اعتمادی مدیریت	-۰/۱۰۱	۰/۰۳۱	-۳/۲۵۱	۰/۰۰۲	۶/۸۶۳
مالکیت مدیریتی	۰/۰۸۲	۰/۰۲۱	۳/۹۶۷	۰/۰۰۰	۱/۸۴۱
بیش‌اعتمادی مدیریت * مالکیت مدیریتی	۰/۰۱۱	۰/۰۰۴	۲/۸۳۱	۰/۰۰۵	۶/۵۰۱
مالکیت نهادی	-۰/۰۳۸	۰/۰۱۶	-۲/۳۵۹	۰/۰۲۱	۱/۸۲۳
بیش‌اعتمادی مدیریت * مالکیت نهادی	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۲/۳۲۸	۰/۰۱۷	۶/۳۹۹
سودآوری	۰/۰۷۴	۰/۰۳۲	۲/۲۹۳	۰/۰۲۲	۴/۷۹۱
مخارج سرمایه‌ای	-۰/۰۹۶	۰/۰۳۵	-۲/۷۶۶	۰/۰۰۶	۴/۱۲۱
فرصت رشد	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۵۳۱	۰/۵۹۵	۱/۵۳۷
اهرم مالی	-۰/۰۰۸	۰/۰۱۵	-۰/۵۴۹	۰/۵۸۳	۱/۵۲۰
اندازه شرکت	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	-۲/۱۴۹	۰/۰۳۲	۱/۳۲۹
ضریب تعیین		۰/۴۹۳	ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰/۴۶۱
F-Statistic		۱۰/۲۸۶	Prob-F		۰/۰۰۰
آماره دوربین واتسون		۲/۰۷۶			
آماره آزمون چاو	۳/۱۱۹	سطح معناداری	۰/۰۰۰	الگوی داده‌های تابلویی	
آماره آزمون هاسمن	۲۲/۴۵۴	سطح معناداری	۰/۰۱۳	اثرات ثابت	
آماره والد تعدیل‌شده	۲۸۰۷/۶۰	سطح معناداری	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس وجود دارد.	
آماره ولدریج	۱۰/۱۵۰	سطح معناداری	۰/۰۰۲	خودهمبستگی وجود دارد.	

منبع: محاسبات پژوهش

بر اساس نتایج برآورد مدل فوق، مشاهده می‌شود آماره F مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است و معناداری کلی رگرسیون خطی تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل نشان می‌دهد تقریباً ۴۶ درصد از تغییرات متغیر کیفیت سود شرکت‌های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل تبیین می‌شود. آماره عامل تورم واریانس همه متغیرهای مدل از عدد ۱۰ کوچک‌تر است که عدم هم‌خطی قابل توجه بین آن‌ها را نشان می‌دهد. با توجه به نتیجه آماره ولدریج و به علت وجود خودهمبستگی در این مدل، برای آزمون نهایی مدل رگرسیون از طریق روش اثرات ثابت، از متغیر کمکی AR استفاده شده است. نتیجه آزمون دوربین-واتسون برابر با ۲/۰۸ بوده و به معنای عدم وجود خودهمبستگی معنادار بین باقیمانده‌های مدل است.

بر اساس نتایج جدول (۴)، ضریب متغیر تعدیل‌گر "بیش‌اعتمادی مدیریت*مالکیت مدیریتی" در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است و چون ضریب آن مثبت است، مالکیت مدیریتی رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریت و کیفیت سود شرکت را تضعیف

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

نموده و عملاً از منفی به مثبت تبدیل نموده است (از ۰/۱۰۱- به ۰/۰۱۱) رسیده است؛ بنابراین، مالکیت مدیریتی اثر بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود را تضعیف نموده و فرضیه چهارم پژوهش تأیید می‌شود. همچنین، ضریب متغیر تعدیل‌گر "بیش‌اعتمادی مدیریت*مالکیت نهادی" معنادار است و با توجه به ضریب مثبت آن، می‌توان گفت مالکیت نهادی رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریت و کیفیت سود شرکت را تضعیف نموده و تغییر علامت از منفی به مثبت صورت گرفته است (از ۰/۱۰۱- به ۰/۰۰۷) رسیده است؛ بنابراین، مالکیت نهادی اثر بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود را تضعیف نموده و فرضیه پنجم پژوهش تأیید می‌شود. دیگر نتایج برآورد مدل سوم پژوهش نشان می‌دهد سودآوری بر کیفیت سود تأثیر مثبت دارد، درحالی‌که مخارج سرمایه‌ای و اندازه شرکت موجب کاهش کیفیت سود می‌شوند؛ بنابراین، کیفیت سود در شرکت‌های بزرگ‌تر، پایین‌تر است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس دیدگاه مالی-رفتاری مدیران ممکن است به دلیل سوگیری‌های روان‌شناختی، در استراتژی‌های مدیریت سود به شیوه‌ای غیرمنطقی شرکت کنند (بری-استولزل و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین، مطابق با ماهیت نظریه نمایندگی و دیدگاه مالی-رفتاری مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد، احتمالاً با اولویت دادن به منافع خود فرصت‌طلبانه رفتار می‌کنند و با خوش‌بینی نسبت به آینده شرکت، اقدام به دستکاری ارقام مالی می‌کنند که بر کیفیت سود گزارش‌شده شرکت تأثیر منفی دارد (بزوئیچ و همکاران، ۲۰۲۴). با این حال، چگونگی تأثیرپذیری کیفیت سود به‌عنوان یکی از ویژگی‌های گزارشگری مالی از پدیده بیش‌اعتمادی مدیریت در شرایطی که سازوکارهای راهبری شرکتی وجود دارد، یک خلأ پژوهشی در ادبیات داخلی است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است. از طرفی، ساختار مالکیت به‌عنوان یک مکانیسم راهبری شرکتی، چشم‌انداز جدیدی از تأثیر پدیده بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود را ارائه می‌دهد. ساختار مالکیت می‌تواند تصمیمات مدیریت و گزارشگری شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. به‌طور خاص، تمرکز مالکیت و ماهیت سهامداران می‌توانند تأثیر بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود را تعدیل کنند؛ بنابراین، توجه به جنبه‌های مختلف ساختار مالکیت به عنوان متغیرهای مؤثر بر رابطه بین اعتماد بیش از حد مدیریت و کیفیت سود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (بزوئیچ و همکاران، ۲۰۲۴). بر این اساس، در پژوهش حاضر ابتدا تأثیر بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود بررسی شده است؛ سپس، نقش تعدیل‌کننده ساختار مالکیت شامل تمرکز مالکیت، مالکیت خانوادگی، مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی بر این رابطه مورد مطالعه قرار گرفته و از نوآوری‌های پژوهش محسوب می‌شود؛ برای این منظور از داده‌های ۱۶۶ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی یازده‌ساله استفاده شده است.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش نشان داد، بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود شرکت‌های بورسی تأثیر منفی دارد؛ این نتیجه پژوهش را می‌توان در راستای نتایج بزوئیچ و همکاران (۲۰۲۴)، هوانگ و همکاران (۲۰۲۲)، لیانگ و همکاران (۲۰۲۰)، آقابابائی و همکاران (۱۴۰۲) و بشیری‌منش و همکاران (۱۴۰۱) در نظر گرفت؛ آنان نشان دادند اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت باعث کاهش کیفیت گزارشگری و کیفیت پایین سود شرکت می‌شود. در راستای نتایج آزمون فرضیه اول، به قانون‌گذاران و همچنین سهامداران و هیئت‌مدیره شرکت پیشنهاد می‌شود دامنه تصمیمات مدیریتی را مشخص و محدود کنند تا زمینه کنترل و نظارت بر تصمیمات خوش‌بینانه و پر ریسک که ناشی از بیش‌اعتمادی مدیریت است، فراهم شود.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان داد، تمرکز مالکیت رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریت و کیفیت سود شرکت را تضعیف نمی‌کند و بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش رد می‌شود. این یافته پژوهش با نتایج الدوساری و حسین (۲۰۲۴) همخوانی دارد؛ اما با نتایج هوانگ و همکاران (۲۰۲۲) مبنی بر نقش تعدیلی تمرکز مالکیت بر رابطه بین اعتماد بیش از حد مدیریت و کیفیت سود سازگاری ندارد؛ همچنین، با نتایج اسماعیل و همکاران (۲۰۲۴)، چن و همکاران (۲۰۲۱) و آرتور و همکاران (۲۰۱۹) مبنی بر این‌که تمرکز مالکیت وجود رابطه منفی بین این دو متغیر را کاهش می‌دهد و موجب بهبود کیفیت سود می‌شود، مغایرت دارد. این نتیجه پژوهش با چارچوب نظریه همسویی منافع سازگاری ندارد؛ یعنی، تمرکز مالکیت موجب نظارت بیشتر و دقیق‌تر بر تصمیمات مدیریتی نشده و تأثیر منفی اعتماد بیش از حد مدیرعامل بر کیفیت سود را تضعیف نکرده است؛ از

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

طرفی، ساختار مالکیت شرکت‌های بورسی در ایران به‌ویژه شرکت‌های فعال در صنایع حساس به‌گونه‌ای است که بیشتر تحت مالکیت دولت یا شرکت‌های دولتی هستند و غالباً سازگاری چندانی بین انگیزه سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در مقایسه با دولت وجود ندارد؛ اما این نتیجه پژوهش می‌تواند با جهت‌گیری به‌سوی فرضیه سنگربندی، وجود قدرت و نفوذ بیش از حد مدیرعامل شرکت‌های بورسی را تقویت کند؛ چون شرکت‌هایی که بیشتر سهام آن‌ها در اختیار شرکت‌های وابسته به دولت قرار دارد، مدیرعامل عملاً توسط دولت انتخاب می‌شود و موجب کاهش کنترل و نظارت بر آنان توسط سهامداران بخش خصوصی می‌شود؛ ضمن این‌که از اختیارات بسیار زیادی برخوردار می‌شوند و اختیارات بیش از حد مدیرعامل همراه با نظارت کمتر، موجب تصمیمات و رفتارهای فرصت‌طلبانه آنان می‌شود؛ بر این اساس، به سازمان بورس پیشنهاد می‌شود با تعیین سقف مجموع درصد مالکیت شرکت‌های دولتی در شرکت‌های بورسی، زمینه مالکیت بیشتر سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را فراهم کنند تا با ایجاد نظارت بیشتر بر تصمیمات مدیریت و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه، عملکرد مالی و کیفیت گزارشگری این شرکت‌ها بهبود پیدا کند و در نتیجه تخصیص بهینه منابع در بازار سرمایه ارتقا پیدا کند.

نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش نشان داد، مالکیت خانوادگی رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریت و کیفیت سود شرکت را تضعیف می‌کند. بر این اساس، مالکیت خانوادگی اثر منفی بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود را کاهش داده و فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود. این نتیجه پژوهش با یافته‌های بزوئیچ و همکاران (۲۰۲۴) مبنی بر نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه فوق همخوانی دارد. در راستای نتایج آزمون فرضیه سوم، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود با توجه به نقش مالکیت خانوادگی، فرضیه همسویی منافع را در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود در نظر بگیرند و در انتخاب پرتفوی سهام خود فقط نسبت‌های مالی و شاخص‌های بازار را مبنای تصمیم‌گیری قرار ندهند. سازمان بورس نیز باید برای برجسته‌نمودن نقش مالکیت خانوادگی در کنترل رفتار فرصت‌طلبانه و سوگیری‌های مدیران، مشوق‌های مالی و غیرمالی برای چنین شرکت‌هایی در نظر بگیرد.

نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش نشان داد مالکیت مدیریتی اثر منفی بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود را تضعیف نموده و این فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. به بیان دیگر، متغیر ترکیبی "بیش‌اعتمادی مدیریت*مالکیت مدیریتی" باعث افزایش کیفیت سود می‌شود. این یافته پژوهش با نتایج واهیونینگتیاس و رحمان (۲۰۲۳) سازگاری دارد؛ آنان نشان دادند تأثیر تصمیم‌گیری مدیریت در زمینه سرمایه‌گذاری بر کیفیت سود تحت تأثیر مالکیت مدیریتی قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج، با تملک بیشتر سهام توسط مدیریت شرکت، کیفیت سود افزایش‌یافته است؛ بنابراین، به سازمان بورس پیشنهاد می‌شود با استفاده از الزامات قانونی حداقل درصد تملک سهام توسط مدیران تعیین شود تا تضاد منافع مدیران و سهامداران کاهش یابد و منافع آن‌ها همسو شود؛ این جهت‌گیری زمینه بهبود عملکرد شرکت و تخصیص بهینه منابع را فراهم می‌کند؛ از طرفی، در این راستا باید سطح بهینه مالکیت سهام مدیران توسط هیئت‌مدیره مشخص شود و تحلیل‌گران نیز در ارزیابی ارزش سهام شرکت نقش مالکیت مدیریتی را در نظر بگیرند.

نتایج آزمون فرضیه پنجم پژوهش نشان داد، مالکیت نهادی اثر منفی بیش‌اعتمادی مدیریت بر کیفیت سود را تضعیف نموده است؛ به بیان دیگر، متغیر ترکیبی "بیش‌اعتمادی مدیریت*مالکیت نهادی" باعث افزایش کیفیت سود می‌شود؛ بنابراین، فرضیه پنجم پژوهش تأیید می‌شود. این نتیجه پژوهش با نتایج بزوئیچ و همکاران (۲۰۲۴)، سوگیر و همکاران (۲۰۲۳) و هاشم و دوی (۲۰۱۲) مطابقت دارد؛ آنان نشان دادند وجود سرمایه‌گذاران نهادی موجب کنترل و نظارت مؤثر بر رفتار و عملکرد مدیریت شرکت می‌شود و باعث می‌شود شیوه گزارشگری و کیفیت سود شرکت بهبود پیدا کند. با استناد به این نتیجه پژوهش، با تملک سهام توسط سرمایه‌گذاران نهادی کیفیت سود افزایش‌یافته است؛ بنابراین، یکی از راه‌کارهای انگیزشی برای ارزش‌گذاری بالاتر سهام شرکت توسط تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران توجه به نقش سهامداران نهادی است که موجب کنترل و نظارت بیشتر بر عملکرد مدیریت می‌شود. از طرفی، حسابرسان داخلی و حتی حسابرسان مستقل می‌توانند ایده‌ها و انتقادات مالکان نهادی را در جهت‌دهی استراتژیک شرکت و ارزیابی عملکرد آن و همچنین اعتباردهی صورت‌های مالی مد نظر قرار دهند. پیشنهاد می‌شود فعالان بورس و هیئت‌مدیره حداقل درصد تملک سهام توسط مالکان نهادی و همچنین سطح بهینه آن

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

را تعیین کنند. همچنین، با توجه به نقش تعدیل‌گر مالکیت نهادی، سازمان بورس می‌تواند با ایجاد تسهیلات برای افزایش حضور فعال نهادهای مالی حرفه‌ای، به بهبود کیفیت گزارشگری کمک کند.

علاوه بر پیشنهادهای کاربردی که برای هر یک از نتایج آزمون فرضیه‌ها مطرح شد، پژوهش حاضر از دیدگاه نظری می‌تواند به توسعه مبانی مربوط به تأثیر نگرش و ویژگی‌های مدیریتی بر گزارشگری شرکت و کیفیت سود کمک کند؛ هم‌چنین نتایج آن با تبیین تأثیر مؤلفه‌های ساختار مالکیت شرکت بر این روابط به غنای ادبیات رشد و پایداری شرکت و همچنین ارزش‌آفرینی آن با اتکا به تصمیم‌گیری بهینه کمک می‌کند.

محدودیت‌های پژوهش

با توجه به این‌که در پژوهش حاضر تأثیر همه ابعاد شناخته‌شده ساختار مالکیت بر رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریت و کیفیت سود مورد بررسی قرار گرفته است، محدودیت قابل ملاحظه‌ای که بتواند مانع از آزمون فرضیه‌های پژوهش شود و یا نتایج کلی پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد، ملاحظه نشد؛ با این وجود، شرایط خاص حاکم بر اقتصاد ایران می‌تواند به‌طور غیر مستقیم بر نتایج پژوهش تأثیر بگذارد؛ در طی دوره پژوهش با وجود نرخ تورم بالا، اقلام صورت‌های مالی تعدیل نشده است و ممکن است بر نتایج مؤثر باشد. محدویت دیگر پژوهش مربوط به اندازه‌گیری عوامل رفتاری پژوهش است؛ بیش‌اعتمادی یکی از سویه‌های رفتاری محسوب می‌شود که اندازه‌گیری آن مشکل است؛ این استدلال وجود دارد که افراد در مواجهه با شرایط گوناگون عکس‌العمل‌ها و پردازش‌های متفاوت دارند؛ با توجه به زمینه مالی و حسابداری پژوهش، در مطالعه حاضر نیز این متغیر با شاخص‌های مالی اندازه‌گیری شده و اندازه‌گیری آن با هر کدام از رویکردهای به کار گرفته شده با انتقاد همراه بوده است؛ بنابراین، ممکن است این شاخص هم انعکاس کامل و جامعی از اعتماد بیش از حد مدیرعامل نباشد. این پژوهش بر اساس دیدگاه اصلی و رایج نظریه اثربخشی ساختار مالکیت، مؤلفه‌های ساختار مالکیت را مورد مطالعه قرار داده و از سایر ابعاد مانند مالکیت دولتی صرف‌نظر کرده است؛ بر این اساس، در پژوهش‌های آتی می‌توان تأثیر مالکیت دولتی و ویژگی‌های هیئت‌مدیره را بر رابطه بین اعتماد بیش از حد مدیرعامل و کیفیت سود بررسی نمود.

منابع

آقابابائی، فریبا؛ سعید یادگاری و احسان رجایی‌زاده هرندی. (۱۴۰۲). تحلیل تأثیر بیش اعتمادی و اجتناب مالیاتی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری** ۷(۲۵): ۱۲۶-۱۰۹.

ابراهیمی، سیدکاظم؛ محمود پیوندی و محمدرضا فخارمنش. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ساختار مالکیت شرکت بر حق‌الزحمه حسابرسی و اظهارنظر حسابرسان مستقل شرکت‌ها. **حسابداری مالی** ۶(۲۴): ۷۸-۵۹.

بشیری‌منش، نازنین؛ زهرا حاجی‌زاده و سعید قبادی. (۱۴۰۱). تأثیر سوگیری رفتاری مدیران بر تصمیم‌گیری و کیفیت اطلاعات مالی. **پژوهش‌های تجربی حسابداری** ۱۲(۴۳): ۱۶۰-۱۴۱.

بولو، قاسم؛ و مسعود حسنی‌القار. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و تجدید ارائه صورت‌های مالی. **تحقیقات حسابداری و حسابرسی** ۱۱(۴۲): ۷۰-۵۳.

حساس‌یگانه، یحیی؛ و مسعود حسنی‌القار. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. **پژوهش‌های تجربی حسابداری** ۹(۳۳): ۵۴-۲۵.

خوشکار، فرزین؛ و سارا سرشار. (۱۴۰۱). نقش ویژگی‌های روان‌شناختی مدیران بر رابطه بین مالکیت شرکت‌های خانوادگی و سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه. **چشم‌انداز حسابداری و مدیریت** ۵(۵۶): ۴۳-۳۱.

دهقان، فاطمه؛ امید پورحیدری و احمد خدامی‌پور. (۱۴۰۱). تأثیر کیفیت پیش‌بینی مدیریت بر کارایی سرمایه‌گذاری با در نظر گرفتن نقش ساختار مالکیت. **پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی** ۱۴(۵۳): ۷۶-۵۱.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

رحمانیان کوشککی، عبدالرسول؛ و زهرا ایمان‌روی. (۱۴۰۰). تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها با نقش تعدیل‌گر مالکیت نهادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **حسابداری و منافع اجتماعی** ۱۱(۳): ۴۹-۶۸.

رحمانیان کوشککی، عبدالرسول؛ و معصومه ذیلابی. (۱۴۰۳). نقش مالکیت مدیریتی در تأثیر عملکرد مالی و شهرت حسابرس بر ارزش شرکت. **پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالیه** ۵(۲۰): ۱۱۹-۹۵.

رضائی پیته‌نوئی، یاسر؛ و محمد غلامرضاپور. (۱۳۹۹). واکاوی اجتناب مالیاتی در پرتو ساختار مالکیت با نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی: آزمون نظریه نمایندگی. **فصلنامه حسابداری مالی،** ۱۲(۴۶): ۴۸-۲۲.

طاهری عابد، رضا؛ مهدی علی‌نژاد ساروکلایی و خسرو فغانی ماکرانی. (۱۳۹۹). تأثیر خودشیفتگی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی. **پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی** ۱۲(۴۸): ۹۴-۷۱.

طاهری، ماندانا؛ و غزاله شیخ‌زاده. (۱۴۰۲). اثر تعدیلی کیفیت سود و کیفیت حسابرسی بر رابطهٔ خوانایی گزارش‌های مالی با هزینهٔ تأمین مالی شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران. **نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی** ۱۵(۴): ۵۸-۳۳.

عرب، روح‌اله؛ محمد غلامرضاپور؛ نرجس امیرنیا و سید پوریا کاظمی. (۱۴۰۰). قدرت مدیرعامل، مالکیت خانوادگی و حق‌الزحمه حسابرسی: واکاوی نظریه‌های همسویی و سنگربندی. **مطالعات تجربی حسابداری مالی،** ۱۸(۷۰)؛ ۱۹۳-۱۶۷.

عطاراسدی، مریم؛ سیدیوسف احدی سرکانی و محسن امینی‌خوزانی. (۱۴۰۳). تجزیه و تحلیل ساختار سرمایه و ساختار مالکیت متأثر از رفتارهای متقلبانه: نقش عوامل تعدیل‌کننده. **دانش سرمایه‌گذاری** ۱۳(۵۲): ۸۳۴-۸۱۱.

فرسادامان‌الهی، غلامرضا؛ و غلامرضا کیقبادی. (۱۳۹۷). تبیین ارتباط بین حاکمیتی شرکتی و کیفیت سود با نقش تعدیلی جریان نقد آزاد. **پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار** ۹(۱۸): ۸۲-۷۳.

فرهادی کشکولی، داریوش. (۱۴۰۱). مسئولیت اجتماعی، مدیریت ریسک شرکت و مدیریت درآمد واقعی؛ شواهدی از اعتماد مدیریتی. **چشم‌انداز حسابداری و مدیریت** ۵(۷۰): ۱۲۶-۱۱۱.

کاشانی‌پور، محمد؛ علی‌محمد قنبری و انور بایزیدی. (۱۳۹۸). بررسی پیامدهای اقتصادی بیش اعتمادی مدیران در شرکت‌های بورسی. **پیشرفت‌های حسابداری** ۱۱(۷۹): ۲۹۰-۲۶۹.

محمدی، محمد. (۱۳۹۹). کیفیت گزارش مالی، مالکیت خانوادگی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادر تهران. **حسابداری و منافع اجتماعی** ۱۰(۳): ۱۸۴-۱۵۷.

محمدی، محمد؛ داود یوسف‌وند و سیدجواد رضوی. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر رفتار ریسک‌پذیری و بحران مالی بر کیفیت سود و عملکرد مالی. **تحقیقات حسابداری و حسابرسی** ۱۶(۶۲): ۱۵۶-۱۳۳.

مرادی، مهدی؛ ابوالفضل سلیمانی و اعظم پوریوسف. (۱۴۰۲). استراتژی کسب و کار و سودآوری معاملات داخلی با تأکید بر تأثیر بیش اعتمادی مدیر. **دانش حسابداری مالی** ۱۰(۳۸): ۴۰-۱.

مکاری، مهناز. (۱۴۰۲). تأثیر تمرکز مالکیت بر مدیریت سود واقعی با تأکید بر رکود اقتصادی. **چشم‌انداز حسابداری و مدیریت** ۶(۷۸): ۱۴۰-۱۵۲.

مهرفر، ابوطالب؛ حسین کاظمی و فرزین رضایی. (۱۴۰۲). خوش‌بینی طبیعی و انگیزشی مدیران و تأثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی. **دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت** ۱۲(۴۸): ۱۷۶-۱۶۱.

نورانی، حسین. (۱۴۰۲). عکس‌العمل بازار به تجدید ارائه و تحریف اطلاعات مالی در شرکت‌های با مالکیت خانوادگی. **پژوهش‌های تجربی حسابداری** ۱۳(۴۹): ۹۸-۵۷.

واعظ سیدعلی؛ ابراهیم انواری و محمد بنافی. (۱۳۹۵). تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کارایی سرمایه‌گذاری. **حسابداری مالی** ۸(۳۱): ۱۳۲-۱۰۱.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

ولی‌زاده‌لاریجانی، اعظم. (۱۴۰۳). تأمین مالی، تضامین در دسترس و کیفیت سود. **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی** ۳۱(۲): ۳۶۹-۳۸۹.

هشی، عباس؛ و حمید علیخانی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین مالکیت خانوادگی و مالکیت غیر خانوادگی بر عملکرد شرکت‌ها، در بورس اوراق بهادار تهران. **تحقیقات حسابداری و حسابرسی** ۷(۲۵): ۴۱-۲۸.

Aldoseri, M.M., & R. Hussein. (2024). The impact of ownership structure and board characteristics on earnings quality: Evidence from Saudi Arabia. **Journal of Statistics Applications and Probability** 13(1): 227-238.

Ali, A., & W. Zhang. (2015). CEO tenure and earnings management. **Journal of Accounting and Economics** 59(1): 60-79.

Ali, S., R.U. Rehman, B. Sarwar, A. Shoukat & M. Farooq. (2022). Board financial expertise and foreign institutional investment: the moderating role of ownership concentration. **Review of International Business and Strategy** 32(3): 325-345.

Almaleki, M., M. Salehi & M. Moradi. (2021). The relationship between narcissism, managerial overconfidence and comparability of financial statements of listed companies. **Journal of Facilities Management** 19(5): 681-700.

Al-Shammari, M., H. Al-Shammari, S.N. Banerjee & D.H. Doty. (2022). The effect of chief executive officer and board prior corporate social responsibility experiences on their focal firm's corporate social responsibility: The moderating effect of chief executive officer overconfidence. **Frontiers in Psychology** 13: 891331.

Alsultan, A., & K. Hussainey. (2024). The moderating effect of ownership structure on the relationship between related party transactions and earnings quality: Evidence from Saudi Arabia. **International Journal of Financial Studies** 12(3): 58.

Altaf, M., A. Haider, S. Asif & M. Naseem. (2024). A comprehensive study employing panel data to analyze managerial overconfidence and accounting misstatements in Pakistan. **Journal of Asian Development Studies** 13(1): 742-754.

Anderson, R.C., & D.M. Reeb. (2003). Founding-family ownership and firm performance: evidence from the S&P 500. **The Journal of Finance** 58(3): 1301-1328.

Anderson, R.C., A. Duru & D.M. Reeb. (2012). Investment policy in family controlled firms. **Journal of Banking & Finance** 36(6): 1744-1758.

Arnas, Y., S. Lamtiar, Z. Kurniawati, B. Kurnianto & N. Kalbuana. (2021). Factors affecting earning management on transportation corporations in Indonesia. **International Journal of Economics, Business and Accounting Research (IJEBAR)** 5(1): 165-174.

Arthur, N., H. Chen & Q. Tang. (2019). Corporate ownership concentration and financial reporting quality: International evidence. **Journal of Financial Reporting and Accounting** 17(1): 104-132.

Banerjee, S., M. Humphery-Jenner & V. Nanda. (2015). Restraining overconfident CEOs through improved governance: Evidence from the Sarbanes-Oxley Act. **The Review of Financial Studies** 28(10): 2812-2858.

Ben-Ahmed, F., & A. Jarboui. (2022). CEO overconfidence and forecast accuracy moderated by CEOs' accounting-based attributes. **Journal of Management Development** 41(3): 163-182.

Berrone, P., C. Cruz, L.R. Gomez-Mejia & M. Larraza-Kintana. (2010). Socioemotional wealth and corporate responses to institutional pressures: Do family-controlled firms pollute less?. **Administrative Science Quarterly** 55(1): 82-113.

Berry-Stölzle, T.R., E.M. Eastman & J. Xu. (2018). CEO overconfidence and earnings management: Evidence from property-liability insurers' loss reserves. **North American Actuarial Journal** 22(3): 380-404.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

Boonlert-U-Thai, K., & P.K. Sen. (2019). Family ownership and earnings quality of Thai firms. **Asian Review of Accounting** 27(1): 112-136.

Bushee, B.J., & C.F. Noe. (2000). Corporate disclosure practices, institutional investors, and stock return volatility. **Journal of Accounting Research** 38: 171-202.

Bushman, R.M., & A.J. Smith. (2001). Financial accounting information and corporate governance. **Journal of Accounting and Economics** 32(1-3): 237-333.

Bzeouich, B., F. Depoers & F. Lakhal. (2024). Does ownership structure drive the effect of CEO overconfidence on earnings quality?. **Journal of Applied Accounting Research** 26(1): 90-115.

Chen, M.Y. (2006). Managerial ownership and firm performance: An analysis using switching simultaneous-equations models. **Applied Economics** 38(2): 161-181.

Chen, S., Y. Wang, K. Albitar & Z. Huang. (2021). Does ownership concentration affect corporate environmental responsibility engagement? The mediating role of corporate leverage. **Borsa Istanbul Review** 21: S13-S24.

Cruz, C., M. Larraza–Kintana, L. Garcés–Galdeano & P. Berrone. (2014). Are family firms really more socially responsible?. **Entrepreneurship Theory and Practice** 38(6): 1295-1316.

Demsetz, H. (1996). Ownership and control: A review. **International Journal of the Economics of Business** 3(1): 107-112.

Demsetz, H., & B. Villalonga. (2001). Ownership structure and corporate performance. **Journal of Corporate Finance** 7(3): 209-233.

Dyck, A., & L. Zingales. (2004). Private benefits of control: An international comparison. **The Journal of Finance** 59(2): 537-600.

Elage, A., & Y. Mard. (2018). Code de gouvernance et gestion des résultats comptables: le cas des sociétés françaises cotées. **Comptabilité-Contrôle-Audit** 24(2): 113-147.

Giordino, D., F. Jabeen, N. Nirino & S. Bresciani. (2024). Institutional investors ownership concentration and its effect on disclosure and transparency of United Nations sustainable development goals. **Technological Forecasting and Social Change** 200: 123132.

Golembiewski, R.T., S. Yeager & R. Hilles. (1975). Factor analysis of some flexitime effects: Attitudinal and behavioral consequences of a structural intervention. **Academy of Management Journal** 18(3): 500-509.

Gomez-Mejia, L., C. Cruz & C. Imperatore. (2014). Financial reporting and the protection of socioemotional wealth in family-controlled firms. **European Accounting Review** 23(3): 387-402.

Gómez-Mejía, L.R., K.T. Haynes, M. Núñez-Nickel, K.J. Jacobson & J. Moyano-Fuentes. (2007). Socioemotional wealth and business risks in family-controlled firms: Evidence from Spanish olive oil mills. **Administrative Science Quarterly** 52(1): 106-137.

Gong, R. (2023). CEO overconfidence and the tone of press release. **Accounting & Finance** 63(2): 2081-2108.

Griffin, P.A., H.A. Hong, Y. Liu & J.W. Ryou. (2021). The dark side of CEO social capital: Evidence from real earnings management and future operating performance. **Journal of Corporate Finance** 68: 101920.

Hadani, M., M. Goranova & R. Khan. (2011). Institutional investors, shareholder activism, and earnings management. **Journal of Business Research** 64(12): 1352-1360.

Hand, J.R. (1990). A test of the extended functional fixation hypothesis. **Accounting Review** 65(4): 740-763.

Hashim, H.A., & S.S. Devi. (2012). Institutional monitoring and earnings quality in Malaysia. **Procedia-Social and Behavioral Sciences** 65: 419-426.

Hashmi, M.A., R.K. Brahmana & E. Lau. (2018). Political connections, family firms and earnings quality. **Management Research Review** 41(4): 414-432.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

Healy, P.M., & K.G. Palepu. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. **Journal of Accounting and Economics** 31(1-3): 405-440.

Houqe, M.N., T. Van Zijl, K. Dunstan & A.W. Karim. (2012). The effect of IFRS adoption and investor protection on earnings quality around the world. **The International Journal of Accounting** 47(3): 333-355.

Hu, Y., Y. Ye, X. Yu, X. Piao, L. Huang & B. Li. (2024). Managerial overconfidence and corporate information disclosure. **Borsa Istanbul Review** 24(2): 263-279.

Huang, Y., P. Brandes & R. Dharwadkar. (2022). Curb your enthusiasm! Concentrated institutional ownership as a check on CEO overconfidence. **In Academy of Management Proceedings** 2022(1): 12632.

Ismail, T.H., M. Samy El-Deeb & R.H. Abd El–Hafiezz. (2024). Ownership structure and financial reporting integrity: the moderating role of earnings quality in Egyptian practice. **Journal of Humanities and Applied Social Sciences** 6(5): 471-495.

Jensen, M.C., & W.H. Meckling. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. **Journal of Financial Economics** 3(4): 305-360.

Jung, K., & S.Y. Kwon. (2002). Ownership structure and earnings informativeness: Evidence from Korea. **The International Journal of Accounting** 37(3): 301-325.

Kałdoński, M., T. Jewartowski & J. Mizerka. (2020). Capital market pressure, real earnings management, and institutional ownership stability-Evidence from Poland. **International Review of Financial Analysis** 71: 101315.

Karjalainen, J. (2011). Audit quality and cost of debt capital for private firms: Evidence from Finland. **International Journal of Auditing** 15(1): 88-108.

Lemma, T.T., M. Negash, M. Mlilo & A. Lulseged. (2018). Institutional ownership, product market competition, and earnings management: Some evidence from international data. **Journal of Business Research** 90: 151-163.

Liang, Q., L. Ling, J. Tang, H. Zeng & M. Zhuang. (2020). Managerial overconfidence, firm transparency, and stock price crash risk: Evidence from an emerging market. **China Finance Review International** 10(3): 271-296.

Malmendier, U., & G. Tate. (2005). Does overconfidence affect corporate investment? CEO overconfidence measures revisited. **European Financial Management** 11(5): 649-659.

Marzouki, A., & A. Ben Amar. (2024). Managerial overconfidence, earnings management and the moderating role of business ethics: Evidence from the Stoxx Europe 600. **International Journal of Ethics and Systems** ahead-of-print. https://doi.org/10.1108/IJOES-01-2024-0009

McConnell, J.J., & H. Servaes. (1995). Equity ownership and the two faces of debt. **Journal of Financial Economics** 39(1): 131-157.

McManus, J. (2018). Hubris and unethical decision making: The tragedy of the uncommon. **Journal of Business Ethics** 149(1): 169-185.

Nissim, D. (2021). **Earnings quality. Columbia Business School Research Paper Forthcoming**. Assessed from https://ssrn. com/abstract, 3794378.

O'callaghan, S., J. Ashton & L. Hodgkinson. (2018). Earnings management and managerial ownership in private firms. **Journal of Applied Accounting Research** 19(4): 648-668.

Panda, B., & N.M. Leepsa. (2019). Does institutional ownership engagement matter for greater financial performance? Evidence from a developing market. **International Journal of Law and Management** 61(2): 359-383.

Pavlopoulos, A., C. Magnis & G.E. Iatridis. (2019). Integrated reporting: An accounting disclosure tool for high quality financial reporting. **Research in International Business and Finance** 49: 13-40.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]

Pompian, M.M. (2012). **Behavioral finance and wealth management: how to build investment strategies that account for investor biases**. 2nd Edition, John Wiley & Sons.

Rajabalizadeh, J. (2023). CEO overconfidence and financial reporting complexity: evidence from textual analysis. **Management Decision** 61(13): 356-385.

Rashidi, M. (2024). Overconfidence, managerial accounting competence and dividend smoothing: evidence from emerging markets. **Review of Economics and Political Science** 10(2): 168-188.

Richardson, S. (2006). Over-investment of free cash flow. **Review of Accounting Studies** 11: 159-189.

Safitri, D., W. Mulyasari & N. Nofianti. (2023). The effect of managerial ownership on firm value with accounting conservatism and earnings quality as intervening variables. **Review of Accounting and Taxation** 2(2): 112-125.

Salehi, M., Arianpoor, A., & Naghshbandi, N. (2022). The relationship between managerial attributes and firm risk-taking. **The TQM Journal** 34(4): 728-748.

Salehi, M., G. Zimon & M. Seifzadeh. (2022). The effect of management characteristics on audit report readability. **Economies** 10(1): 12.

Salehi, M., M. Lari DashtBayaz, S. Hassanpour & H. Tarighi. (2020). The effect of managerial overconfidence on the conditional conservatism and real earnings management. **Journal of Islamic Accounting and Business Research** 11(3): 708-720.

Schrand, C.M., & S.L. Zechman. (2012). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. **Journal of Accounting and Economics** 53(1-2): 311-329.

Shleifer, A., & R.W. Vishny. (1986). Large shareholders and corporate control. **Journal of Political Economy** 94(3): 461-488.

Souguir, Z., N. Lassoued & H. Bouzgarrou. (2023). CEO overconfidence and tax avoidance: role of institutional and family ownership. **International Journal of Managerial Finance** (ahead-of-print).

Susanto, Y.K., S. Adrianne & K. Pirzada. (2019). Is tax aggressiveness an indicator of earnings management? **Polish Journal of Management Studies** 20(2): 516-527.

Tessema, A., M.S. Kim & J. Dandu. (2018). The impact of ownership structure on earnings quality: The case of South Korea. **International Journal of Disclosure and Governance** 15: 129-141.

Velury, U., & D.S. Jenkins. (2006). Institutional ownership and the quality o f earnings. **Journal of Business Research** 59(9): 1043-1051.

Wade, S.L., J. Carey & C.R. Wolfe. (2006). The efficacy of an online cognitive-behavioral family intervention in improving child behavior and social competence following pediatric brain injury. **Rehabilitation Psychology** 51(3): 179.

Wahyuningtyas, C., & T. Rahman. (2023). Determinants of earnings quality: The role of managerial ownership. **Akuntansi dan Teknologi Informasi** 16(2): 153-174.

Yung, K., & A. Root. (2019). Policy uncertainty and earnings management: International evidence. **Journal of Business Research** 100: 255-267.

Zimmerman, B.J. (2013). From cognitive modeling to self-regulation: A social cognitive career path. **Educational Psychologist** 48(3): 135-147.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-17]